

## مواضع دولتها، نیروها، شخصیتها و نهادهای سیاسی جهان پیرامون تحولات ایران

تعویق مذاکرات بازرگانی اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی تا آشکار شدن نتیجه نشست هفته آینده  
آژانس بین المللی انرژی اتمی  
سه شنبه 19 خرداد 1383- 8 ژوئن 2004

فربیا مودت (رادپوردا): مقامات اتحادیه اروپا می گویند که هفته آینده گفتگوهای را در زمینه حقوق بشر با مسئولان نه چندان بلندپایه ایران آغاز خواهند کرد. اما در این میان وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا گفته اند که مذاکرات بازرگانی خود را با ایران، تا معلوم شدن نتیجه اجلاس هفته آینده آژانس بین المللی انرژی اتمی به تعویق خواهند انداخت. خبرگزاری آلمان می گوید: نمایندگان اتحادیه اروپا امیدوارند که قطعنامه جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی، مواضع اروپا و آمریکا را در مورد ایران در مقابل هم قرار ندهد. آتو لوبیاکاس Ahto Lobjakas، یکی از نویسندگان رادیو اروپای آزاد / رادیوآزادی، گزارشی دارد که همکاران، سیاوش اردلان، چکیده ای از آن را به اطلاع می رساند. سیاوش اردلان (رادپوردا): به رغم رایزنی های فشرده، دولت ایران به احتمال زیاد یک سرخوردگی دیگر را در جریان دیدار وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در هفته آینده تجربه خواهد کرد. مسئولان اروپایی می گویند که وزیران اتحادیه اروپا تصمیم گیری درباره از سرگیری مذاکرات تجاری با ایران را به تعویق خواهند انداخت. این مذاکرات سال گذشته به دنبال طرح اتهام داشتن برنامه های مخفی تولید سلاح های هسته ای علیه ایران، برای یک سال معوق شدند. منابع سیاسی در بروکسل می گویند که وزیران اتحادیه اروپا می خواهند تا جلسه بعدی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی که بین چهاردهم تا هجدهم ژوئن برگزار می شود، صبر کنند. در این جلسه آژانس آخرین یافته های خود را در مورد برنامه های هسته ای ایران به رای می گذارد. اما با اینحال اتحادیه اروپا پذیرفته است که همزمان مذاکرات دیگری را در سطحی پایین تر، در چهارچوب مسائل حقوق بشر با ایران انجام دهد. این مذاکرات هفته آینده در تهران انجام می شود.

سخنگوی کمیسیون اروپایی، اونی ودم، می گوید که این اتحادیه مذاکره را به عنوان راهی برای باز نگاه داشتن کانال های ارتباطی با اصلاح طلبان ایران ارج می نهد:

اونی ودم (سخنگوی کمیسیون اروپایی): ما همچنان معتقدیم که گفتگوهای ما با ایران در مورد حقوق بشر ارزشمند است، هر چند که از نتایج ملموس آن تشویق نشدیم. چرا؟ زیرا این امر کانال های ارتباطی ما را برای طرح کردن موارد خاص باز نگاه می دارد. همچنین در ساختار چنین ارتباطاتی است که نمایندگان جوامع مدنی دو طرف گرد هم می آیند و گاهی هم نمایندگان قوای قضاییه دو طرف، این ارتباطات زمینه تبادل دیدگاه ها و تجارت را برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران فراهم می کند.

س.ا.: اما وزای مذاکرات درباره حقوق بشر، اتحادیه اروپا خواستار پیروی ایران از درخواست های آژانس بین المللی انرژی اتمی است. یک مسئول اروپایی که نخواست نام وی فاش شود، می گوید که بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا از بخش هایی از گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی تشویق شده اند که گام های ایران را برای رفع نگرانی های بین المللی به رسمیت شناخته است. از طرف دیگر همین مسئولان ادعان می کنند که بریتانیا، آلمان و فرانسه که سال گذشته قرارداد سعدآباد را با ایران امضاء کردند، بردباری خود را نسبت به همکاری نه چندان همه جانبه ایران با آژانس از دست می دهند.

هر چند که سه کشور مذکور گرم تهیه پیشنویس به شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی هستند، اما به نظر نمی رسد که آنها، آنگونه که آمریکا می خواهد، پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهند. به گفته همان مسئول اروپایی، هر چند که گزارش آژانس در برگیرنده انتقادهایی از ایران است، اما در مجموع اتحادیه اروپا می خواهد که برای حفظ اهرم های خود جهت سوق دادن ایران به سمت مثبت، گفتگو با آن کشور را زنده نگاه دارد. اما مسئولان اتحادیه اروپا می گویند که انتخابات اخیر مجلس در ایران که اصلاح طلبان اجازه شرکت در آن را نیافتند، حسن نیتی را که نسبت به ایران وجود داشت از بین برد.

پیش از انتخابات، کمیسیون اروپا تعیین تاریخی برای از سرگیری مذاکرات تجاری با ایران را پذیرفته بود، اما اینک، به گفته یک مسئول اروپایی، هیچ کس برای این کار عجله ای ندارد. انتخابات مجلس، فضای مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا را تغییر داد. اما این بدان معنی نیست که اتحادیه اروپا با موضع آمریکا هم نظر است. با اینحال مسئولان اتحادیه اروپا یادآوری می کنند که برای بهبودی وضعیت حقوق بشر، ایران

راه درازي را در پيش دارد. مسئول کمیسیون اتحادیه اروپا، به گزارش اخير سازمان دیدبان حقوق بشر در مورد ایران استناد می کند.

اوني ودم: ما مایل بودیم که در حوزه حقوق بشر، پیشرفت های بیشتری را در ایران شاهد باشیم، هر چند که اذعان می کنیم گام های کوچکی در این جهت برداشته شده است. مثلا تعویق مجازات سنگسار برای زنانی که به زنا محکوم می شوند. لذا من نمی گویم که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است، اما می گویم که دوست داشتیم پیشرفت های بیشتری را شاهد باشیم. س.ا.: مسئولان اتحادیه اروپا هفته آینده با امید به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران، راهی تهران خواهند شد.

اکثریت سنای بلژیک از اتحادیه اروپا خواستار خارج ساختن نام سازمان مجاهدین از لیست تروریستی شدند.

سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

همبستگی ملی : امروز بعد از ظهر (سه شنبه) در يك کنفرانس مطبوعاتی در ساختمان سنای بلژیک در شهر بروکسل، اعضای سنا که از احزاب مختلف سیاسی این کشور بودند، حمایت خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کردند. اکثریت سنای بلژیک در بیانیه خود به تهاجم خشونت بار پلیس فرانسه در 17 ژوئن 2003 بر علیه دفتر شورای ملی مقاومت ایران در اور سو آز- فرانسه و دستگیری خانم مریم رجوی ، پرزیدنت منتخب مقاومت ایران اشاره کردند و اعلام کردند که این حملات در چارچوب يك زد و بند سیاسی بوده و هیچ زمینه قضایی نداشته است سناتور های بلژیکی اعلام کردند که گنجاندن مجاهدین در لیست تروریستی ، فاقد يك پایه قانونی بوده و بخشی از يك سیاست مداخلات با رژیم مذهبی تهران بوده است

8 ژوئن 2004 - 19 خرداد

امروز بعد از ظهر در يك کنفرانس مطبوعاتی در ساختمان سنای بلژیک در شهر بروکسل، اعضای سنا که از احزاب مختلف سیاسی این کشور بودند، اعلام کردند که اکثریت اعضای سنای بلژیک خواستار خارج ساختن نام مجاهدین خلق از لیست ترور اتحادیه اروپا می باشند. اکثریت سنای بلژیک در بیانیه خود به تهاجم خشونت بار پلیس فرانسه در 17 ژوئن 2003 بر علیه دفتر شورای ملی مقاومت ایران در اور سو آز- فرانسه و دستگیری خانم مریم رجوی ، پرزیدنت منتخب مقاومت ایران اشاره کردند و اعلام کردند که این حملات در چارچوب يك زد و بند سیاسی بوده و هیچ زمینه قضایی نداشته است. سناتور ها گفتند که تحت رهبری مریم رجوی، مقاومت ایران بر علیه بنیادگرایی و برقراری يك دموکراسی بر پایه انتخابات آزاد و جدایی دین از دولت می جنگیده است. این مقاومت همیشه پایبند به قوانین کشورهای میزبان بوده است. قانون گذاران بلژیکی تاکید کردند که:

- سرکوب جدي ترين نیروي مسلمان ضد بنیادگرا، توجهات را از تروریستهای واقعی منحرف میکند - نباید مبارزه علیه فاشیسم مذهبی را تروریسم خواند، - از آنجا که مقاومت ایران بارها به برگزاری انتخابات آزاد فراخوان داده اند و اخيرا خانم رجوی يك رفاندم تحت نظر ملل متحد را خواستار شده است - اخراج و استرداد مجاهدین از عراق نقض قوانین بین المللی و در حکم جنایت علیه بشریت می باشد. حمایت اکثریت سنای بلژیک شامل اکثر احزاب سیاسی این کشور منجمله حزب اصلی که در ائتلاف دولتی می باشد می باشد.

آقای سناتور گالاند، از اعضای ارشد کمیسیون خارجی سنای بلژیک که ریاست این جلسه را به عهده داشت، ضمن سخنانی گفت که امروز یکسال از حمله علیه مقر شورای ملی مقاومت ایران در اور سو آز می گذرد. در این رابطه يك ابتکاری در سنا برای اعلام حمایت از مقاومت ایران صورت گرفته است. امروز ما اعلام می کنیم که سازمان مجاهدین خلق ایران باید از لیست گروه های تروریستی خارج شود. ضمن اینکه شکي نیست که تروریسم باید مورد حمله قرار بگیرد ولي باید بین تروریسم و يك مقاومت مشروع تفاوت قائل شد. سازمان مجاهدین که سالهای متمادی تحت آزار بوده اند يك سازمان دموکراتیک می باشد. با امضای این قطعنامه توسط سناتورها و روسای گروه های مختلف سنا ما می توانیم دولت خودمان و سایر دول اروپایی را جهت خروج مجاهدین خلق از لیست تحت فشار قرار دهیم. آقای سناتور گالاند گفت که من میخواهم به زودي خانم مریم رجوی را در پاریس ملاقات کنم و قطعنامه امروز را مستقیما به وي تقدیم کنم.

آقای سناتور وانگرون کلسون Vankrunkelsven عضو کمیسیون خارجی سنا از حزب حاکم لیبرال فلامان، گفت که ما خوشحالیم که خیلی از همکاران من در سنا به گروه مجاهدین خلق احترام می گذارند و از آن حمایت می کنند. من شخصا این جا هستم که از افرادی که برای دموکراسی مبارزه می کنند حمایت کنم. ما از سنا تلاش خودمان را خواهیم کرد تا مجاهدین را کمک کنیم و دموکراسی در ایران محقق شود و مهمترین مسئله در آوردن مجاهدین از لیست تروریستی می باشد.

آقای والتر مولس Walter Muls نماینده پارلمان از حزب سوسیالیست فلامان گفت که وظیفه من به عنوان یک سیاستمدار و همچنین وکیل این است که اعلام کنم تحت بهانه معاملات اقتصادی نمی توان یک جنبش مقاومت را در لیست تروریستی قرار داد. نمی توان اصول انسانی را به بهانه معاملات اقتصادی دور زد. دموکراسی نیاز به شفافیت دارد و وقتی شما یک گروه مقاومت را به خاطر منافع مادی در این لیست قرار می دهید به نظر می رسد که خبری از دموکراسی نیست.

آقای فیروز محوی عضو کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت ایران که در این کنفرانس مطبوعاتی حضور داشت طی سخنانی ضمن تشکر از حمایت اکثریت سنای بلژیک. گفت که سال گذشته در این زمان رژیم آخوندی دست به توطئه بزرگی در فرانسه زده بود و الان بعد از یک سال می بینیم که آخوند ها نه تنها مقاومت را نتوانستند نابود بکنند بلکه هر روز ما شاهد گسترش محبوبیت مریم رحوی در ایران و خارج ایران هستیم. وی خواستار یک فراندوم آزاد تحت نظر سازمان ملل برای تغییر این رژیم شده و این فراخوان وی حمایت زیادی را در ایران کسب کرده است. در ماه های اخیر هزاران سیاستمدار از مجاهدین حمایت کرده و خواستار خارج ساختن نام آنان از لیست تروریستی شده اند. امروز روز خوبی برای دموکراسی در بلژیک است چرا که اکثریت سنا که از همه احزاب سیاسی این کشور است، این بیانیه بسیار قوی را امضا کرده اند که اکنون در جلوی خودمان داریم. من معتقدم که الان که فاشیستی ترین جناح حاکمیت در قدرت کامل می باشد و دوران خاتمی هم به اتمام رسیده است، اتحادیه اروپا لازم است که سیاست خود در قبال ایران را مورد بازبینی قرار دهد و بیانیه اکثریت سنای این کشور نیز یک قدمی در این راستا می باشد.

### برخی از رویدادهای مهم ایران

#### چهارمین دور گفتگو های حقوق بشر ایران و اتحادیه اروپایی ، هفته آینده در تهران سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

یک گروه 20 نفری از کارشناسان حقوق بشر اتحادیه اروپایی برای چهارمین دور گفتگو های ایران و این اتحادیه اوایل هفته آینده به تهران می آیند.

به گزارش خبرنگار سیاسی "مهر" ، این گفتگوها از دو سال پیش تاکنون با هدف طرح دیدگاه های دو طرف و ملاحظاتی حقوق بشری و کمک به رفع سوء تفاهمات و ابهامات در هردوره از ریاست اتحادیه اروپایی به تناوب در ایران و بروکسل مقر این اتحادیه برگزار می شود .

این دوره از گفتگوها در دوره ریاست ایرلند بر این اتحادیه در 25 و 26 خرداد ماه (دوشنبه و سه شنبه آینده ) در تهران برپا خواهد شد .

یک دیپلمات آگاه در بروکسل به خبرنگار "مهر" گفت : گروه حقوق بشری اتحادیه اروپایی به ریاست ایرلند و متشکل از کارشناسان و مسوولانی از کمیسیون اروپا و شورای اروپا ، پارلمان اروپا و کارشناسانی از NGO های دانشگاهی ، فرهنگی ، علمی و حقوق بشری اروپا است که با یک گروه ایرانی از وزارت امور خارجه ، مجلس شورای اسلامی قوه قضاییه و دانشگاه ها و اصحاب قلم ، بخشهای فرهنگی و فعالان حقوق بشر تهران گفتگو می کنند .

وی تاکید کرد این گفتگوها کارشناسی است و مقام خاصی از دو طرف در آن حضور نخواهد یافت . گفتنی است ، از دو سال پیش تاکنون که سه دور از این گفتگوها با هدف شفاف سازی دیدگاه های دوطرف صورت گرفته است ، اتحادیه اروپا نه تنها بانی صدور قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل علیه ایران نشده است بلکه در نشست اخیر از صدور چنین قطعنامه ای به تحریک مخالفان جمهوری اسلامی نیز جلوگیری کرد .

#### تشدید فعالیت گروه های تجزیه طلب و کمونیست در کردستان رویداد - دوشنبه 18 خرداد 1383 - 7 ژوئن 2004

به گفته یک فعال سیاسی اصلاح طلب «برخوردهای حکومت» و «نبود زمینه فعالیت گروه های مذهبی» زمینه این مسأله را فراهم کرده است

آگاهان مسائل کردستان از فعال تر شدن گروه های تجزیه طلب قدیمی در این استان خبر می دهند و اضافه می کنند که در هفته های اخیر، برخی احزاب «اپوزیسیون سرنگون طلب» هم علاوه بر این گروه ها در کردستان فعال شده اند.

در این زمینه، اخبار دریافتی «رویداد» از فعالیت گسترده گروه های نظیر کومله، پژاک و حزب کمونیست کارگری در برخی نقاط کردستان حکایت دارد.

بنابراین گزارش، طرفداران گروه کومله (سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران)، در هفته های اخیر تراکت های با مضامین «زنده باد سوسیالیسم»، «زنده باد حزب کمونیست» و «زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری» در شهر سنندج توزیع کرده اند.

حزب کمونیست کارگری هم که از جریان های برانداز در میان اپوزیسیون محسوب می شود، اواخر هفته گذشته در ارتفاعات «آبیدر» سنندج دست به فعالیت تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی زده است.

همچنین، گروه «پژاک» شاخه حزب کارگران کرد ترکیه در صعود دو هزار نفری کوهنوردان ایرانی به قله قندیل پیرانشهر علیه نظام جمهوری اسلامی تبلیغ کرد.

اعضای این گروه با اطلاع قبلی از صعود دو هزار نفری کوهنوردان به این قله در محل حضور یافته و برای کوهنوردان سخنرانی و تراکت‌های تبلیغاتی در بین آنان توزیع کردند. اعضای این گروه که مسلح بودند علیه مسئولان نظام نیز حرف‌هایی زده‌اند. گروه پژواک بعد از دستگیری عبدالله اوچالان از حزب پ.ک.ک ترکیه منشعب شده و سرکردگی آن را فردی به نام "عبدالرحمن حاجی‌احمدی" از اهالی شهر نرده بر عهده دارد و اعضای آن بیشتر از اتباع ایرانی هستند.

این فعالیت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که در هفته‌های اخیر درگیری‌های مسلحانه‌ای میان مأموران دولتی با کردهایی که در حال عبور و مرور در مرزهای غربی کشور بوده‌اند، رخ داده و چندین تن طبق اخبار رسمی کشته شده‌اند. موضوع اصلی این درگیری‌های مسلحانه، «قاچاق کالا» عنوان شده است.

در این زمینه، یکی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در کردستان روز دوشنبه 18 خردادماه در گفت‌وگو با «رویداد» «برآورده نکردن خواسته‌های مردم و بی‌توجهی نظام به مطالبات آنها» را دلیل اصلی شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های ضدانقلابی دانست. وی گفت: «بنابر آنکه نظام نتوانست جذابیت و گیرایی خاصی را برای جوانان ایجاد کند، آنها به سمت گروه‌های مخالف نظام گرایش می‌یابند.» این فعال سیاسی همچنین معتقد است که محدود بودن زمینه فعالیت‌های گروه‌های مذهبی در کردستان گرایش جوانان به گرایش‌های لائیک و کمونیست را تقویت می‌کند.

## رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

قطعنامه انتقال قدرت در عراق به اتفاق آراء تصویب شد

بی بی سی: سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء قطعنامه ای را که از واگذاری قدرت در پایان ماه ژوئن به یک دولت تازه عراقی حمایت می‌کند تصویب کرده است. هم‌اکنون ائتلاف نیروهای خارجی تحت رهبری آمریکا مسوول اداره امور عراق است.

رای‌گیری پس از آن انجام شد که آمریکا و بریتانیا موافقت کردند جزئیات بیشتری در مورد مناسبات میان دولت عراق و نیروهای چندملیتی تحت فرماندهی آمریکا در عراق را در متن قطعنامه بگنجانند. جان نگرپونته، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد گفت که تصویب قطعنامه به اتفاق آراء نشان دهنده حمایت گسترده جامعه بین‌المللی نسبت به ایجاد یک عراق فدرال، دموکراتیک، کثرت‌گرا و متحد است.

جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا پیشتر گفته بود که حمایت یکپارچه از قطعنامه به جهان نشان خواهد داد که اعضای شورای امنیت مایل به همکاری با یکدیگر برای ایجاد یک عراق آزاد، صلحجو و دموکراتیک هستند.

وی گفت این قطعنامه به مثابه کاتالیزوری برای متحول کردن خاور میانه خواهد بود.

فرانسه و آلمان پیشتر اعلام کرده بودند که از قطعنامه تازه حمایت خواهند کرد.

از سوی دیگر با ادامه خشونت‌ها در عراق، شمار زیادی از جمله یک عضو ارشد یکی از گروه‌های میانه‌رو شیعه کشته شده‌اند.

پیشتر، میشل بارنیر، وزیر امور خارجه فرانسه، گفته بود تغییرات اساسی در متن پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی آمریکا و بریتانیا در مورد عراق اعمال شده و با این که تمام درخواست‌های فرانسه در آن قید نشده است اما از آن حمایت می‌کند.

فرانسه از جمله خواسته بود که در قطعنامه تازه سازمان ملل به دولت موقت عراق حق وتوی برخی اقدامات حساس نظامی، که توسط نیروهای به رهبری آمریکا انجام می‌گیرد، داده شود.

حق وتو در این قطعنامه منظور نشده است اما در آن قید شده که این گونه عملیات باید با "هماهنگی کامل" دو طرف صورت بگیرد.

آقای بارنیر گفت که برای اولین بار، در مورد موضوع عراق یک گفتگوی واقعی صورت گرفته است.

### موضع آمریکا و بریتانیا

پیش‌نویس قطعنامه مربوط به انتقال قدرت در عراق چهار بار مور دتجدید نظر قرار گرفت.

قطعنامه‌های قبلی به دلیل مخالفت سایر اعضای شورا، به خصوص فرانسه، کنار گذاشته شد. فرانسه خواستار آن بوده است که قطعنامه مشخصاً شکل روابط بین دولت موقت عراق و نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا را تشریح کند.

آمریکا و بریتانیا گفته بودند که نوع این روابط در نامه نخست وزیر دولت موقت به شورای امنیت بیان شده و نیازی نیست که در متن قطعنامه منعکس شود.

در این نامه آمده بود که دو طرف باید در مورد اجرای عملیات حساس نظامی به توافق برسند.

در مقابل، فرانسه با حمایت آلمان و الجزایر، از اعضای غیردایم شورا، اصرار داشته‌اند که این توافق باید به طور مشخص در متن قطعنامه آورده شود.

در قطعنامه پیشنهادی آمریکا و بریتانیا تاکید شده است که دولت موقت عراق دارای اختیارات کامل در مورد بهره برداری از منابع مالی و طبیعی این کشور است. قطعنامه همچنین برای سازمان ملل نقشی اساسی در شکل گیری فرآیند سیاسی عراق پیش بینی می کند.

### **ادامه خشونت ها - تلفات آمریکاییان**

روز سه شنبه بمب گذاری در نقاط مختلف عراق دست کم پانزده کشته و حدود یکصد زخمی برجای نهاده است. در شهر موصل، واقع در شمال عراق، یک اتومبیل بمب گذاری شده در مقابل دفتر شهردار منفجر شد و دست کم ده نفر را کشت و گروهی را زخمی کرد. ظاهرا شهردار موصل، که ضمنا ریاست کمیسیون امنیتی منطقه را برعهده دارد، هدف این حمله بود اما به وی آسیبی نرسید. همچنین، منابع آمریکایی گفته اند که یکی از پایگاه های نظامی آنان در موصل هدف پرتاب خمپاره قرار گرفت که در اثر آن دو نفر زخمی شدند. در شهر بعقوبه، واقع در شمال شرق بغداد نیز راننده یک خودرو انتحاری اتومبیل خود را در نزدیکی پایگاه نظامی آمریکاییان در این شهر منفجر کرد. در اثر این انفجار انتحاری که در ساعات پر رفت و آمد بامداد روی داد چندین نفر، از جمله دو سرباز آمریکایی کشته شده اند. پیشتر گزارش شده بود که در اثر انفجار بمبی که در مسیر عبور گروهی از نظامیان این کشور در جنوب بغداد کار گذاشته شده بود یک سرباز آمریکایی جان خود را از دست داد و دو نظامی دیگر آمریکایی نیز زخمی شدند.

همچنین، گزارش های رسیده از شهر کوفه حکایت از آن دارد که وقوع انفجار در آن شهر دست کم دو کشته برجای نهاده است. روز دوشنبه در مجتمع مورد استفاده نفرات سپاه مهدی در کوفه انفجاری روی داد که گفته می شود ناشی از بروز آتش سوزی در انبار مهمات این گروه بوده است. سپاه مهدی با نیروهای ائتلاف در کوفه و نجف درگیر بوده است و تنها روز جمعه با آتش بس با آمریکاییان و سپردن حفظ امنیت نجف به دست پلیس عراقی موافقت کرد.

### **قتل عضو سپاه بدر**

در تحولی دیگر، براساس گزارش های رسیده از بغداد، بامداد روز سه شنبه، 8 ژوئن، شهیر فیصل الشهیر، از فرماندهان ارشد گروه شبه نظامی سپاه بدر وابسته به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، به ضرب گلوله افراد ناشناس در شهر بغداد کشته شد. سپاه بدر از جمله گروه های شبه نظامی عراق است که براساس بیانیه نخست وزیر دولت موقت در روز دوشنبه با انحلال خود پس از برگزاری انتخابات عمومی در سال 2005 میلادی موافقت کرده اند. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، به رهبری عبدالعزیز حکیم، از گروه های سیاسی شیعه است که در شورای حکومتی عراق مشارکت داشته و از دولت موقت حمایت می کنند.

این سازمان که در دوره حکومت صدام حسین با حمایت جمهوری اسلامی در ایران شکل گرفت دارای یک شاخه نظامی موسوم به سپاه بدر است. گفته می شود که سپاه بدر دست کم ده هزار عضو دارد که در ابتدا توسط ایران تجهیز شدند. پس از سقوط صدام حسین، آیت الله محمد باقر حکیم، رهبر سابق مجلس اعلای، به عراق بازگشت ولی سال گذشته در اثر انفجار بمب در شهر نجف به قتل رسید و عبدالعزیز حکیم رهبری این گروه را برعهده گرفت.

در برابر مقتدی صدر، روحانی تندرو شیعه و گروه شبه نظامی سپاه مهدی وی که با حضور نظامی خارجی در عراق به شدت مخالف اند، آقای حکیم و مجلس اعلای در روند سیاسی جاری پس از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی عموما مشارکت داشته اند.

### **دولت ایتالیا اعلام کرد : گروگانهای ایتالیایی در عراق آزاد شدند**

**سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004**

دولت ایتالیا امروز اعلام کرد : سه ایتالیایی که اوایل ماه آوریل از سوی گروههای مسلح در عراق ربوده شده بودند ساعاتی پیش آزاد شدند . به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه ، يك مقام نظامي لهستاني نیز امروز اعلام کرد : يك گروگان لهستاني همراه با این سه گروگان ایتالیایی آزاد شدند . لازم به ذکر است ایش از این یکی از گروگانهای ایتالیایی از سوی يك گروه عراقی به قتل رسیده بود . **گروگانگیران عراقی یکی از گروگانهای ترکیه را آزاد کردند** خبرگزاری آناتولی امروز گزارش داد : یکی از دو مدیر شرکت ترکیه که در عراق ربوده شده بودند آزاد شد و مدیر دیگر این شرکت نیز به زودی آزاد خواهد شد .

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه ، طبق اظهارات منابع دولت ترکیه دو تبعه این کشور به نامهای عدنان عزیز اقلو و تارکان آریکوغلو و راننده شان عصر روز یکشنبه توسط گروههای مسلح عراقی در جاده ای در نزدیکی فلوجه ربوده شدند .  
مقامات شرکت ساختمانی "سرکا" به خبر گزاران آنا تولی گفتند که عزیز اقلو آزاد شد و به سلامت به پایگاه این شرکت در موصل در شمال عراق بازگشت .  
وی همچنین افزود : یکی دیگر از مدیران و رانندشان که در گروگان بسر می برند صبح چهارشنبه ( فردا ) آزاد خواهند شد .  
از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه این خبر را تایید نکرد اما گفت که سفارت ترکیه در بغداد در حال پیگیری آزادی این گروگانها می باشد .

#### طالبانی و بارزانی به خروج از دولت موقت عراق تهدید کردند

سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: دو حزب عمده کرد عراق تهدید کردند در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه خود در مورد عراق خودمختاری کردها در شمال عراق را ننگجاند، از دولت موقت عراق خارج خواهند شد.  
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی عراق، "مسعود بارزانی" رهبر حزب دموکرات کردستان و "جلال طالبانی" رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق طی نامه ای سرگشاده برای جرج بوش رییس جمهوری آمریکا تهدید کردند، در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه خود در مورد عراق، خودمختاری کردها را تأیید نکند از دولت موقت عراق خارج خواهند شد و از ورود نمایندگان آن به کردستان جلوگیری و انتخابات را تحریم خواهند کرد.  
این دو مقام کرد در این نامه ناراضی عمیق خود را از اینکه هیچ یک از دو مقام ریاست جمهوری و نخست وزیری دولت موقت عراق به یک کرد عراقی واگذار نشده است، ابراز داشته اند.

#### یک عضو ارشد سپاه بدر به ضرب گلوله در بغداد کشته شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) براساس گزارشهای رسیده از بغداد، بامداد امروز (سه شنبه) شهر فیصل الشهر، از فرماندهان ارشد گروه شبه نظامی سپاه بدر وابسته به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، به ضرب گلوله افراد ناشناس در شهر بغداد کشته شد.  
به گزارش بی.بی.سی. سپاه بدر از جمله گروههای شبه نظامی عراق است که بر اساس بیانیه نخست وزیر دولت موقت با انحلال خود پس از برگزاری انتخابات عمومی در سال 2005 میلادی موافقت کرده اند.  
مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به رهبری عبدالعزیز حکیم، از گروههای سیاسی شیعه است که در شورای حکومتی عراق مشارکت داشته و از دولت موقت حمایت می کنند.  
سپاه بدر شاخه ای نظامی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است که در روندهای سیاسی عراق از جمله شورای حکومتی این کشور مشارکت داشته است.

#### ارتش المهدی سپاه بدر را به همکاری با انگلیس متهم کرد

سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: برخی از عشایر عراقی و تنی چند از طرفداران مقتدا صدر روحانی عراقی با انتقاد از سپاه بدر، این سازمان را به همکاری با نیروهای انگلیسی و نیروهای اشغالگر در جمع آوری سلاحهای مردم عراق متهم کرد.  
به گزارش خبرگزاری فارس، روزنامه الحیات امروز نوشت، شیخ عبدالستار البهادلی مدیر دفتر صدر در بصره سپاه بدر را متهم کرد که بیش از ده دفتر در سطح این استان برای گرفتن سلاح از اهالی شهر بصره ایجاد کرده است.  
وی به روزنامه فرامنطقه ای الحیات گفت: عناصر بدر مبالغ اضافی برای خرید تجهیزات و سلاحهایی همچون موشکهای آر پی جی 7 و گلوله های توپ ضد هواپیما از نوع استریلا که احتمالاً ارتش المهدی آنها را به کار می گرفتند، پرداخت می کند.  
وی چنین اقداماتی را تقبیح کرد و آنرا را نوعی "جنگ" خواند و نسبت به ادامه چنین اقداماتی، هشدار داد.  
وی از سپاه بدر خواست صف متجاوزان را ترک کرده به جمع مقاومت بپیوندند و از این فرصت الهی نهایت استفاده را بعمل آورند.  
این در حالی است که یک منبع در مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق دخالت سپاه بدر در چنین اعمالی را رد کرد و بدون اشاره به جزئیات گفت برخی عوامل تلاش می کنند خط ملی سپاه بدر را تخریب کنند.  
این منبع همچنین از تلاش هایی که حاکی است بین مجلس اعلا و اشغالگران و ایران ارتباط وجود دارد، محکوم کرد و چنین اتهاماتی را کذب و دروغ خواند.  
به نوشته الحیات، از سوی دیگر تنی چند از شهروندان منطقه "الدیر" واقع در 50 کیلومتری شمال بصره ادعا کردند عناصر سپاه بدر این اسلحه ها را با همکاری انگلیس به بهای گزاف می خرد.

منطقه الدیر در عراق يك مركز مهم براي تجارت سلاح و پناهگاه قاچاقچیان است. بر اساس این گزارش، شهروندان این منطقه از مشارکت 40 دستگاه تانک و نفربر زرهی انگلیسی به همراه سپاه بدر در درگیری با افراد عشایر "الشغانیه" در دو هفته پیش خبر می دهند که گفته می شود در این درگیری 5 تن از عناصر سپاه بدر کشته شدند. در این گزارش ادعا شده است این عشایر با خرید اسلحه هایشان مخالفت کرده بودند. انتهای پیام/

### بیوگرافی اعضای هیات دولت موقت عراق (3)

سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: روز سه شنبه اول ژوئن اعضای هیات دولت موقت عراق انتخاب شدند. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اینترنتی اوراق العراقیة، بیوگرافی برخی دیگر از اعضای دولت جدید عراق به این شرح است:

خانم باسکال اشو ورده، وزیر مهاجرین و پناهندگان عراق. وی در سال 1961 در دهوک به دنیا آمد و از موسسه حقوق انسانی دانشگاه لیون در فرانسه مدرک حقوق گرفت. وی به عنوان نماینده موسسه جنبش آشوری دموکراتیک مهمترین حزب سیاسی آشوری عراق در پاریس فعالیت می کرد که این بالاترین منصب برای يك زن در این موسسه است. علاوه بر این خانم ورده مسئول روابط خارجی مجمع کمک به آشوریان عراق است. باسکال در حال حاضر رییس اتحادیه زنان آشوری بغداد نیز است.

پروفسور سامی المظفر وزیر آموزش و پرورش  
پروفسور سامی المظفر یکی از قدیمی ترین بیوشیمیست ها در عراق است و نقش مهمی در ترویج شیمی آلی و مسائل مربوط به آن ایفا کرد که در این زمینه می توان به تحقیقات وی در زمینه بحث های تکنولوژیک زیستی اشاره کرد.

وی مدرک لیسانس خود را در سال 1960 با درجه عالی از دانشگاه بغداد اخذ کرد. پس از آن درجه دکترای خود را از دانشگاه پلی تکنیک ویرجینیا در ایالات متحده آمریکا گرفت. پروفسور مظفر فعالیت حرفه ای خود را به عنوان پژوهشگر و مدرس در دانشگاه بصره آغاز کرد. وی در سال 1961 استادیار دانشگاه بود و در سال 1979 به درجه استادی در رشته شیمی آلی در دانشگاه بغداد دست یافت.

دکتر مظفر در بین سالهای 1968 تا 2000 در دانشکده علوم دو دانشگاه بصره و بغداد تدریس می کرد. وی تاکنون بیش از 50 اختراع و 250 کار پژوهشی به نام خود ثبت کرده است و عضو هیات تحریریه مجله عراقی "الکیمیا" و مجله داخلی علم شیمی در عراق است. وی عضو بسیاری از انجمن ها و جمعیت های علمی داخلی و بین المللی است. پروفسور مظفر دارای بیش از 33 سال تجربه تدریس در شاخه های مختلف شیمی آلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا است. مظفر در سال 1940 در شهر بصره به دنیا آمد.

دکتر ایهم السامرائی وزیر برق  
وی دارای مدرک لیسانس مهندسی برق از دانشگاه بغداد است. وی مدرک دکترای خود را از دانشگاه تکنولوژی شیکاگو اخذ کرد. السامرائی به مدت سی سال در شرکت کی اس ای آمریکا در زمینه طرح های برق فعالیت می کرد و تا آنجا پیش رفت که مدیر کل این شرکت شد. این مساله بر مهارت وی در زمینه فن آوری در تولید برق افزود. ایهم السامرائی همچنین به مدت 5 سال ریاست مجمع علمی انرژی هسته ای در ایالات متحده را برعهده داشت و در این منصب حدود 30 پژوهش علمی ارائه داد. دکتر السامرائی در 12 سال گذشته در اغلب کنفرانس های معارضین صدام حسین شرکت می کرد و عضو اجرایی حزب پیش به سوی دموکراسی معتدل بود.

خانم پروفیسور مشکاة مومن وزیر محیط زیست  
خانم مشکاة مومن در دانشکده حقوق دانشگاه بغداد تدریس می کند. وی متخصص حقوق انسانی است. خانم مومن مشاور مدیر "المعهد العراقی" است و در دفتر مشاوره زنان که يك شاخه سیاسی شورای عالی زنان در عراق است، فعالیت می کند.

دکتر عادل عبدالمهدی وزیر دارایی  
این اقتصاددان برجسته در سال 1948 در بغداد به دنیا آمد و تحصیلات عالی خود را در علوم سیاسی و اقتصاد در فرانسه تکمیل کرد. دکتر عبدالمهدی مدتی در یکی از مراکز پژوهشی فرانسه فعالیت می کرد و سرانجام به ریاست مرکز مطالعات اسلامی فرانسه رسید. پس از آن سردبیر يك مجله اسلامی شد که به دو زبان منتشر می شد و چندین کتاب نیز تالیف کرد. دکتر عبدالمهدی فعالیت سیاسی خود را از کودکی آغاز کرد به همین دلیل به زندان افتاد و شکنجه شد. سپس از کار اخراج شد و در سال 1969 گذرنامه وی را توقیف کردند. با این وجود وی توانست عراق را ترک کند و به فرانسه برود.

وي مدت چند سال در ایران زندگی کرد. پس از مدتی وي به شوراي عالی انقلاب اسلامي در عراق پیوست و از سالهاي 1992 تا 1996 به عنوان نماینده شوراي عالی انقلاب اسلامي در کردستان عراق فعالیت می کرد. همچنین دکتر عبدالمهدی نماینده سید عبدالعزیز حکیم در شوراي حکومت انتقالی منحلہ عراق بود.

## مداخله رژیم ایران در عراق

روزنامه کویتی القیس ادعا کرد: اختلافات جدید بین تهران و شیعیان عراق رخ داده است  
سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: روزنامه کویتی القیس نوشت در رسانه های ایران و محافل روحانیون مذهبی این تفکر به وجود آمده است که بین شیعیان عراق و سازمانهای دینی در ایران اختلافاتی به وجود آمده است. القیس امروز نوشت: خبرگزاری های ایران به انعکاس وسیع سخنان شیخ صدر الدین قبانچی خطیب نماز جمعه شهر نجف و عضو برجسته مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق که در آن از سیاست رهبران ایران و سازمانهای دینی انتقاد کرده بود، پرداختند. قبانچی از آنچه سکوت نسبی ایران در قبال کشتار مردم و تخریب اماکن مقدس شیعیان عراق نامید، انتقاد کرده بود. وي همچنین عملکرد شبکه تلویزیونی العالم را زیر سوال برد. به نوشته این روزنامه، قبانچی در ماه گذشته به ایران سفر و در کنفرانس وحدت اسلامي نیز شرکت کرد.

القیس نوشت: خبرگزاری های ایران در واکنش به اظهارات قبانچی مصاحبه هایی با روحانیون و مقام های ایرانی انجام دادند و نقطه نظرات آنها را درباره آن جویا شدند به طوری که از قول يك نماینده مجلس نقل شده بود که سخنان قبانچی با واقعیت منطبق ندارد و رهبری، ملت و مقام های ایران با قوت هر چه تمام در کنار شیعیان عراق قرار گرفتند و هتک حرمت به اماکن مقدس شیعیان را در این کشور محکوم کردند.

القیس به نقل از احمد خاتمی عضو مجلس خبرگان رهبری ایران نوشت: سازمانهای دینی در قم برای يك روز تمام فعالیت خود را برای محکومیت جنایت های آمریکا متوقف کردند، آیا این دفاع از شیعیان عراق محسوب نمی شود؟

وي افزود: اکثر روحانیون مذهبی و مسئولین نظام ایران از سیاست حکیمانه آقای سیستانی حمایت می کنند و افراطی گری را از هر گروه و طیفی سرزند، محکوم می کنند. حسن عابدینی يك مسئول شبکه تلویزیونی العالم در تهران نیز درباره این مساله گفت: شبکه تلویزیونی العالم سیاست بی طرفانه ای را در قبال حوادث عراق اتخاذ کرده است و این شبکه هر کس را که با نیروهای اشغالگر مبارزه می کرد، در صف نیروهای مبارز عراق قرار می داد. به نوشته القیس گزارش رسانه های رسمی ایران حاکی است ایران موضع انقلابی را در این زمینه اتخاذ کرده و حتی در این رابطه جوانان زیادی در لیست افراد شهادت طلب ثبت نام کردند ولي فرصتی برای آنها فراهم نشده است که دست به چنین عملیات شهادت طلبانه ای بزنند.

## تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 19 خرداد

بی بی سی: سه شنبه 19 خرداد 1383 - 8 ژوئن 2004

روزنامه های سه شنبه تهران تغییر روابط ایران و امارات متحده، و نزدیک بودن تاریخ برگزاری اجلاس شورای حکام سازمان بین المللی انرژی اتمی را با اهمیت دیده و در عنوان های اصلی خود نقل کرده اند.

**شرق** که در صدر اخبار خود به بحران در روابط ایران و امارات پرداخته در سرمقاله ای اظهار عقیده کرده که بی اعتنایی جمهوری اسلامی به سیاست بین الملل و بازیگران اصلی آن تاکنون هزینه های گزافی را بر کشور تحمیل کرده است.

به نوشته سرمقاله **شرق** در گذشته از این نقیصه روسیه، اتحادیه اروپا و چین برای امتیازگیری از بازیگر اصلی سیاست بین الملل استفاده می کردند و امروز کشورهایی در اندازه های کوچکتر از آن بهره می گیرند. تا این نگاه به جامعه جهانی و بازیگران اصلی آن اصلاح و ترمیم نشود. ایران امتیازات و هزینه های بیشتری خواهد داد.

سرمقاله **شرق** افزوده نام بردن از ابوموسی تنها در بررسی نقشه های هواشناسی مشکلی را حل نمی کند، ابوموسی ها در خطر است. سیاستی دیگر باید در پیش گرفت تا اگر آب رفته هم به جوی بازنگردد، دست کم از تحمیل هزینه های بیشتر بر کشور پیشگیری کند.

به نوشته **کیهان** مدیر این روزنامه با تأکید بر اینکه امارات حقی بر سه جزیره دهانه هرمز ندارد به ۲۳ نقشه اشاره کرده که به گفته وی توسط دولت بریتانیا در سال های گذشته تهیه شده و در آن جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک با رنگ اختصاص یافته به خاک ایران مشخص و جزو خاک ایران تلقی شده است.



حسین شریعتمداری با بیان اینکه ما مطالباتی داریم که زمان طرح آنها فرارسیده است، گفته است بحرین متعلق به ما بوده و محمدرضا پهلوی حق نداشته که این بخش از خاک ایران را در سازش با دیگران جدا کند.

**آفتاب یزد** با عنوان "هیچ چیز قابل پیش بینی نیست" به نقل گزارشی از گمانه زنی‌ها درباره جلسه آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره پرونده ایران پرداخته است. **کیهان** در صدر اخبار خود با عنوان "پیمان ان پی تی در حال فروپاشی است" مقاله هفته‌نامه آلمانی "دی سابت" را منعکس کرده که در آن آمده است پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی در حال فروپاشی است و زرادخانه‌های هسته‌ای از کنترل خارج شده‌اند.

**آفتاب یزد** در سرمقاله سه‌شنبه خود به ناهمگونی‌ها در فضای سیاسی کشور پرداخته و نوشته در همان حال که به سه کشور اروپایی برای جلوگیری از زیاده‌خواهی‌های آمریکا امتیاز دادیم کسانی به هر بهانه اخراج سفیران کشورهای بریتانیا، فرانسه و آلمان را خواستار شدند.

سردبیر **آفتاب یزد** با اشاره به انتقادات و حملات تندروها به کشورهای اروپایی و از جمله تظاهرات در برابر سفارت بریتانیا و نام‌نویسی برای عملیات انتحاری نوشته ما باید خود را برای خطرات بزرگ‌تر آماده کنیم که افعال غیر قابل پیش‌بینی اروپا و بحران در خلیج فارس از آن جمله است.

به نوشته **رسالت** فرمانده سپاه پاسداران در یک سخنرانی از آمادگی نیروهای نظامی ایران برای دفاع از کشور سخن گفته و درباره دولت موقت عراق آن را دست‌نشانده آمریکا خوانده است. به نوشته **شرق** آیت‌الله کاظم حائری که در قم اقامت دارد، درباره دولت موقت تشکیل شده در عراق گفته است با توجه به این که زیر نظر آمریکایی‌ها است و از خود اختیاری ندارد، نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد.

رئیس دفتر این مرجع عراقی به نوشته **شرق** گفته دولت مورد نظر آیت‌الله، دولت اسلامی زیر نظر ولی فقیه و مراجع است ولی الان این امر با توجه به اوضاع حاکم بر عراق ممکن نیست. **ایران** روزنامه خبرگزاری جمهوری اسلامی در عنوان بزرگ صفحه اول خود از آخرین یارگیری‌های آمریکا و ایران در آستانه تشکیل شورای حکام خبر داده است.

در سالگرد انتخاب دوباره محمد خاتمی به ریاست جمهوری روزنامه‌های مختلف به تحلیل علل شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر پرداخته و از زبان بخشی از اعضای جبهه دوم خرداد "تندروها" را به عنوان کسانی که مطالبات مردم را به حد خواست‌های غیر قابل دسترس بالا بردند، از عوامل این شکست به حساب آورده‌اند.

یک نماینده محافظه‌کار مجلس هفتم نوشته در دوره دولت خاتمی به رغم شعار قانونمداری در جامعه شاهد قانون‌گریزی از سوی طرفداران وی بودیم.

نماینده زاهدان به نوشته **کیهان** در دوران خاتمی با وجود درآمد سالانه ۱۶۰ میلیارد دلاری، مستضعفان روز به روز مستضعف‌تر و مستکبران روز به روز مستکبرتر شدند.

گفتنی است که درآمد حاصل از فروش نفت ایران در بالاترین بهای نفت کمتر از بیست میلیارد دلار بوده است و این اولین باری است که از درآمد ۱۶۰ میلیاردی نفتی دولت سخن می‌رود.

به نوشته **وقایع اتفاقیه** نشریه‌ای وابسته به دفتر مصباح یزدی در قم ضمن حمله به نظریه تطبیق دموکراسی و اسلام که رییس‌جمهور آن را بیان کرده نوشته است به نظر می‌رسد مشکل اصلی آقای خاتمی این باشد که جایگاه خود را با پیامبر و امامان اشتباه گرفته، بلکه ناخواسته بالاتر هم رفته است.

**وقایع اتفاقیه** نوشته که پرتو سخن در مقاله خود یادآور شده که رییس‌جمهور کاری کرده که بنا بر نص قرآن، خداوند به پیامبرش اجازه انجام آنرا نداده و او را در صورت تخطی تهدید به قطع رگ گردنش کرده است.

روزنامه **ایران** در سرمقاله‌ای به بررسی حضور محافظه‌کاران در مجلس پرداخته و یادآور شده که جناح راست هر گاه قدرت را در دست داشته بی‌محابا تر عمل کرده و مرزهای ممنوع را در هم شکسته و از انتقاد هم مصون مانده است.

قدرت‌الله ناصری مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی بدون اشاره مستقیم به روابط ایران و آمریکا نوشته این قاعده‌ای جهانی است و ریچارد نیکسون رییس‌جمهور رادیکال آمریکا اول کسی بود که به چین کمونیست سفر کرد.

**شرق** خبر داده که تعریف مجدد از مصونیت قضایی نمایندگان در برابر انجام وظیفه نمایندگی و تلاش برای تبدیل نظارت استصوابی به نظارت استمراری، دو طرحی است که اکثریت مجلس هفتم تصمیم دارند با تصویب آن اولین مأموریت‌های خود را به انجام برسانند.

**شرق** با یادآوری تلاش نمایندگان مجلس ششم برای جلوگیری از احضار نمایندگان مجلس به دادگاه‌ها از زبان نماینده اردبیل در مجلس گفت: اصل ۸۶ قانون اساسی بر آزادی نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی؛ اظهار نظر و رأی خود صراحت دارد و اگر به عناوین مختلف و با تفسیر به رأی بخواهیم محدودیت‌هایی در وظایف نمایندگان ایجاد کنیم به تدریج نمایندگان ملت به عناصر بی‌خاصیت تبدیل می‌شوند.

چند روز پیش محمدرضا باهنر نایب رییس مجلس گفته بود نمایندگان نه که مصونیت نسبی ندارند بلکه از هیچ نوع مصونیتی برخوردار نیستند.

## دست آورد سفر به شمال عراق رؤیای فدرال کردها

نقیسه کوهنورد- همشهری - سه شنبه 19 خرداد 1383- 8 ژوئن 2004

شمال عراق گویی جزئی از این کشور نیست. زمانی که از جنوب و مرکز آشفته به سوی شمال عراق حرکت می کنید این واقعیت قابل لمس است. آشفستگی و ویرانی نه فقط اثر بمبهای آمریکایی که میراث سالیان سال عراق است و مانده از دوران حکومت دیکتاتوری. این را کسانی که سالها قبل هم به این کشور سفر کرده اند گواهی می دهند. بغداد پایتخت مملکتی را نمی ماند هرچند ساختمانهای عظیم وزارت خانه ها و هتل ها در آن سر برآورده اما جز در نقاط مرکزی شهر و مناطق اعیان نشین حکومتی، آبادانی آن طور که در خور قلب یک کشور است به چشم نمی خورد. تکریت را شهر صدام حسین رئیس جمهوری ساقط شده عراق می خوانند که زادگاهش است. کاخهای زیبا که برخی اقامتگاه پادشاهان و سران کشورهای عربی بود، در دو طرف رودخانه دجله صف کشیده اند اما این شکوه و جلوه فقط در ورودی شهر است و داخل آن اثری از توسعه شهری نیست. مغازه ها، رستورانها و خیابانها همه و همه ساده و ابتدایی می نمایند. سامرا هم چنین است و شاید بدتر. دوستی و عشق مردمان این شهر با صدام موهبت رشد و رفاه را شامل حالشان نکرده. دیوارهای شهرها و فضایشان همه رنگ عقب ماندگی دارند و شاید اگر به قول یکی از دوستان عنصر اتومبیلهای مدرن نه چندان نو را از تصویر آنها پاک کنند هیچ اثری از مدنیت و توسعه نمی ماند. البته بیش از ده سال تحریم و برنامه نفت در برابر غذای سازمان ملل هم به گفته کارشناسان در ایست جریان توسعه بی تأثیر نبوده ولی باز همین صاحب نظران تأیید می کنند که تبعیض پررنگ در ساختار حکومتی عراق ثروت را در اختیار گروهی نزدیک به دربار قرار داده و بس. مجتمع مسکونی مقامات دولتی عراق در نزدیک خیابان المنصور بغداد که کاملاً با دیگر نقاط شهر متفاوت است تنها نشانه ای است کوچک از این حقیقت.

شهرهای شیعی داستانهای غم انگیز تر دارند. شیعیان مغضوب صدام بودند و شهرهای مقدسشان مغضوب تر. در کربلا و نجف هرچه هست فقر است و فقر. نه نظم و نه حتی جاده و خیابانی شایسته شهر که شیعیان دشمن درجه یک صدام شمرده شده لایق رفاه نبودند از نظر او. آنچه حتی نظر هیأت رسانه ای ایران را در تمام شهرها به خود جلب می کند سیم کشی هاست که مانند فضای کشور آشفته است و درهم ریخته. سیمهای برق انگار کلافهای گره خورده کاموایی هستند که با جنگی باز شده اند و میان تیرهای برق و خانه ها نصب.

شمال عراق اما این تصویر بی نظم را ندارد. تجاوز صدام به کویت در سال ۱۹۹۱ که حمله بوش پدر رئیس جمهوری وقت آمریکا و جنگ خلیج فارس را در پی داشت سرنوشت کردها را تغییر داد. با اعلام منطقه پرواز ممنوع از سوی آمریکا شمال عراق از حاکمیت صدام خارج شد و جایی گشت امن و مطمئن برای کردها. بدین ترتیب در طول این سالها مجالی پیش آمد تا افراد اوضاع خود را به دور از فشار مرکز و وحشت دیکتاتور بعثی، سر و سامان دهند. خیابانهای پهن سلیمانی، بلوارهای آراسته، مراکز تجاری مدرن پر شده از اجناس ترکیه و رستورانهای زیبا در همان ابتدای ورود به شهر جلوه می کند. البته یکی از کارشناسان ایرانی مقیم عراق در این باره می گوید: «وضعیت هنوز در روستاهای شمال عراق نامناسب است اما به هر حال پروژه های بازسازی و توسعه سالهاست در این مناطق آغاز شده است.» مشکلات اقتصادی، نزاع داخلی، تنش های مرزی البته سال ها گریبانگیر کردها بوده است. فشارهایی که در اوایل دهه ۹۰ از سوی بغداد بر آنها وارد می شد آنان را وابسته کمک های بین المللی و به ویژه همسایگان ساخت. بیکاری و مهاجرت از روستاها، قاچاق و بازار سیاه معضل شاخص کردستان عراق بوده و هست. دولت بغداد در دهه های هفتاد و هشتاد روستاهای کردنشین را ویران کرد و مردم را به شهرها کوچاند. اکنون حدود ۵/۲ میلیون کرد در اطراف شهرهای اربیل و سلیمانیه زندگی می کنند. سران کرد خود معتقدند که اگر نبود کمک همسایگانی چون ایران و ترکیه شاید به هیچ وجه نمی توانستند از بار فشارهای اقتصادی بکاهند. ترک ها در ساخت و ساز سرمایه گذاری کرده اند و ایران نیز در تجارت برخی کالاهای اساسی دیگر.

اکنون کردها برای خود روزنامه دارند و ایستگاه رادیویی و تلویزیونی. برنامه های تلویزیونی آنها اکنون پس از سقوط صدام در سراسر عراق هم پخش می شود. علاوه بر این، حالا روزنامه های کرد زبان در بغداد هم دفتر دارند که به رشد کار کمک می کند. مجسمه مرمرین آزادی زنان هم در یکی از بلوارهای سلیمانیه نصب شده. زنی زنجیر ها را از هم گسسته و کبوتری هم بر بالای سرش پرواز می کند. اما تمام اینها ذهن بسیاری از خبرنگاران هیأت ایرانی را به یک نکته معطوف می کند. کردها سالهاست در دنیایی جدا از مردم عراق زندگی می کنند. همین جدایی نیز سنجیت ساکنان این منطقه را با دیگر ساکنان عراق کمتر کرده است.

محمد عبدالله روزنامه نگار عراقی این موضوع را چنین بیان می کند: «کردها هیچگاه نمی توانند خود را همدرد دیگر عراقی ها حس کنند. آنها سالها از فشارهایی که ما کشیدیم دور بوده اند. زمانی که ما در صفهای گندم و غذای سازمان ملل می ایستادیم آنها با آرامش برای خود دانشگاه می ساختند.»

نوجوانان ۱۳ ساله کرد عراق خاطره ای از خشونت های صدام در ذهن ندارند جز شنیده هایشان از روایت های پدر و مادرها که خود ظلم رژیم بعث، بمباران شیمیایی حلبچه و آوارگی را به ویژه در واپسین سالهای دهه هشتاد چشیده اند. گرچه اختلاف میان گروه های کرد بر این دوران پرآرامش سایه افکنده بود. حس قدرت طلبی که گویی در وجود هر کردی نهادینه است همواره دو گروه عمده را به جان هم

انداخته بود، یکی حزب اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی و دیگری حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی.

سلیمانیه پایتخت قلمرو طالبانی است. او زمانی خود از جوانان مبارز دمکرات کردستان به رهبری ملامصطفی بارزانی پدر مسعود بارزانی بود اما پس از بروز اختلاف میان سران حزب که در سال ۱۹۶۴ به اوج خود رسید سر به مخالفت نهاد و به رهبر خود پشت کرد. در آن سال پس از مدتها مبارزه و درگیری میان پیشمرگان (مبارزان) حزب دموکرات با حکومت بغداد برای خودمختاری، ملامصطفی به تنهایی و با وجود مخالفت برخی از اعضای حزب قرارداد آتش بس را با عبدالسلام عارف رئیس جمهور وقت عراق امضا کرد. آتش بسی که بسیاری از مبارزان کرد آن را ننگی بزرگ برای خود می دانستند. پس از آن طالبانی اندک اندک رهبری گروه های روشنفکر و چپگرای حزب را برعهده گرفت که به روش های سنتی و عشایری مدیریت ملامصطفی اعتقاد نداشتند، ازدواج طالبانی با دختر ابراهیم احمد چهره معروف سیاسی کرد و از مخالفان اصلی ملامصطفی نیز باعث شد که وی از رهنمودهای پدر زن بهره جسته و مخالفتش رنگی سیاسی تر به خود گیرد. نبرد سال ۱۹۹۶ میان طالبانی و بارزانی کردستان را به دو بخش تقسیم کرد که از گذشته نیز منطقه نفوذ سنتی این دو گروه بود: سلیمانیه در نقاط شرقی هم مرز با ایران نصیب طالبانی شد و دهوک و اربیل در غرب و منطقه مرزی ترکیه سهم بارزانی. دو سال پس از آن دو رهبر کرد به دعوت مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا به واشنگتن رفته و توافقنامه ۱۷ سپتامبر را امضا کردند.

آشتی ظاهراً میان دو گروه شکل گرفت و قرار شد سران کرد با کنار گذاشتن اختلاف خود به طور مشترک اداره مناطق کردنشین را به عهده گیرند. اما در هر حال از آنجا که اختلافها ریشه ای عمیق در گذشته داشت. این توافقنامه به آسانی اجرا نشد و طی این سالها دو گروه باز هم در حال کشمکش بودند. خشنود نویسنده کرد در این باره می گوید: «کردها هیچ گاه نتوانسته اند از شرایط خود استفاده کنند و در واقع زمانی که می توانستند در آرامش پایه های خود را در منطقه محکم تر کنند فرصت سوزی کردند» او البته تأکید می کند که در دمام حمله بوش پسر به عراق دو گروه به هر سختی که شده اختلافهایشان را بلعیدند و در یک جبهه قرار گرفتند. این همان موضوعی است که برهم احمد صالح یکی از مقامات اتحادیه میهنی، کاوه محمد سردبیر روزنامه کردستان نو ارگان این حزب و مصطفی صالح کریم نایب رئیس فدراسیون روزنامه نگاران کرد هم بر آن تأکید می کنند. اما با وجود آن که پارلمان کردی به ظاهر تشکیل شده اما هنوز وجود دو حکومت اتحادیه میهنی و حزب دموکرات ماهیت خود را حفظ کرده اند. حتی عکسهای طالبانی بر دیوار دفاتر مقامات و روزنامه های سلیمانیه نیز به شدت این احساس را القا می کند. در تمام تصاویر طالبانی به تنهایی است و حتی یک عکس به همراه بارزانی در این جاها دیده نمی شود. برهم درباره این که چرا کردهای عراق هنوز به یکپارچگی لازم دست نیافته اند می گوید: «ارتباط ما با حزب دمکرات برقرار است و امیدواریم بتوانیم تا قبل از تاریخ ۳۰ ژوئن زمان انتقال حاکمیت به عراقی ها نتایج مثبتی را در روابطمان به دست آوریم». او خود تأکید می کند که اختلاف میان کردها آنها را مجبور به تشکیل دو دولت کرده و با تأسفی در صدایش می افزاید: «ما هنوز به مراوده و همفکری درونی بیشتر نیاز داریم به هر حال این مسائل مشکلاتی بر سر راه مردم عراق ایجاد کرده است». به هر حال به نظر می رسد در بازی جدید، کردها برای تثبیت نقششان در آینده عراق سعی دارند بر تمام اختلافها سرپوش بگذارند اما این واقعیتی است که قدرت شریک نمی پذیرد.

رؤیای فدرالیسم و قدرت

وقتی آمریکایی ها از کردها خواستند که در تمام مراحل حمله به عراق و براندازی صدام آنها را همراهی کنند طالبانی در پاسخ گفت: «ما اسب تروا نیستیم. اگر کمکی می طلبید در مقابل پاداشش را طلب می کنیم.» این پاداش همان اعطای نقش برتر در حکومت جدید عراق به کردها بود و پیش بردن ساختار جدید به سوی فدرالیسم. البته رهبران شمال عراق مدتها پیش از سقوط بغداد طرح خود را برای آینده کشوری بی صدام آماده کرده بودند. طالبانی و بارزانی اوایل سپتامبر ۲۰۰۳ طرحی را در ساری راش دفتر بارزانی امضا کردند که در بند بندش آرزوهای دیرینه کردها جای داشت. طالبانی این طرح پانزده صفحه ای را با خود به اجلاس معارضات واشنگتن برد. اجلاسی که بارزانی از شرکت در آن سر باز زد. برگ و بند اول این طرح با عنوان خط مشی عمومی فدرالیسم عراق آغاز شده بود که جمهوری فدرال عراق را در دو بخش عربی و کردی تعریف می کرد. بخش عربی از مرکز و جنوب عراق تا قسمتی از موصل و نینوا امتداد می یافت و منطقه کردستان شامل کرکوک، سلیمانیه، اربیل، دهوک، زیماز بخشی از استان نینوا، قسمت‌هایی از خانقین و مندلی در استان دیاله و شهرستان بورا از استان الواسط بود. برهم در تعریف فدرالیسم می گوید: «فدرالیسم سیستم جدید سیاسی است برای کشورهایی که قومیت‌های جدا از هم دارند». او نیز مانند بسیاری از صاحب‌نظران کرد، فدرالیسم را تنها عامل حفظ یکپارچگی می داند و می افزاید: «مصلحت ما در اتحاد و استقلال توأم است که قالب آن می شود سیستم فدرالی و این بهترین و مناسب ترین راه حل است.»

او در تمام این تعاریف سعی دارد اطمینان دهد که فدرالیسم به معنای نقض یکپارچگی عراق نیست. به نظر می رسد کردها قواعد بازی را آموخته اند و دریافته اند که فعلاً جدا شدن از پیکره عراق به نفعشان نیست و به همین دلیل است که لحنی ملایم تر را برای بیان خواسته هایشان برگزیده اند. عباس کادهم عضو هیأت علمی دانشگاه کالیفرنیا در این باره می گوید: «با وجود شرایط جغرافیایی و فشارهای منطقه ای به نظر می رسد بهترین راه برای کردها حفظ انرژی خود و تلاش برای تشکیل

حکومت دمکراتیک عراق است بی آن که به جدایی و استقلال بیش از حد پافشاری کند» نقشه های کردستان عراق بر دیوار تمامی مقامات کرد که هیأت رسانه ای ایران با ایشان ملاقات کردند، نصب شده است. در آنها اثری از دیگر نقاط عراق نیست، کردستان به تنهایی نقش بسته، از برهم در این باره می پرسیم، پاسخ می دهد: «مردم کرد به تشکیل دولت کرد و استقلال علاقه دارند اما ما در کار رسمی خود به این نتیجه رسیده ایم که تشکیل چنین دولتی پرزحمت است. کرد نیاز به مدرسه و آب و برق دارد، ناسیونالیسم شکم کسی را سیر نمی کند در این منطقه باید واقع گرا باشیم». اما امید به استقلال در تمامی جملات او و دیگر مقامات حس می شود که به بیان همه ایشان این آرزوی هر کردی است. هویت معلق کردهای عراقی نیز به تمام این تناقضها دامن می زند. آنچه که در طول تاریخ جمهوری عراق هم در ایهامش غوطه ور بودند. تعریف عربی عراق آنها را با تضاد مواجه کرده است. عبدالکریم قاسم رئیس جمهور سالهای اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ عراق تلاش می کرد این کشور را کشوری غیرعربی، سنی، کرد و شیعه تعریف کند تا با اهداف کمونیسم بین الملل مطابق باشد و ژنرال عارف جانشین قاسم عراق را کشوری عربی می خواند و بعثی ها هم کشوری عرب با هویت مستقل از سایر اعراب اما باز هم جایگاهی برای این قوم تعریف نشده بود. گرچه این ابهام برای کردها از زمان تغییر نقشه خاورمیانه پس از جنگ جهانی اول و زایش سوریه و عراق بیشتر جلوه کرد. کردها میان ایران، ترکیه، سوریه و عراق تقسیم شدند اما در هیچ کجا مانند عراق سردرگم نبودند. پس از سقوط بغداد و بازگشتن شمال عراق به بدنه این کشور کردها میان دو تعریف مانده اند کرد عراقی یا عراقی کرد؟ برهم این را با تعریف خاطره ای بیان می کند: «چندی پیش هیأتی از موصل آمده بود برای مذاکره. پرسیدند تو کردی یا عراقی و من گفتم «کردم» و ۸۲ سال است شما نمی گذارید عراقی باشم و بعد تأکید می کنم که کردهای مارگزیده دوران صدام اگر امسال خود را عراقی ندانند یکی دو سال دیگر خواهند دانست. اما در ادامه این وابستگی به عراق را نیز در چارچوب نیاز کردها به رشد بیشتر و بهره مندی از منابع کشور قرار می دهد. همان طور که نجم الدین کریم رئیس انستیتو کردی واشنگتن در مقاله اش می نویسد: هر کرد در عراق آرزوی استقلال دارد اما در شرایط موجود این ممکن نیست و به دنبال میل نهان را به زبان می آورد: «در قانون اساسی عراق جدید باید امکان برگزاری referendum برای جدایی کردها از عراق در نظر گرفته شود». جوانان کرد نگرشی شفاف تر به این موضوع دارند. هیوا دختری که در دانشگاه سلیمانیه حقوق می خواند می گوید: «من و دوستانم خود را کرد می دانیم ما عراقی نیستیم». از دیگر سو مقامات کرد در طول سالها مبارزه آموخته اند که تنها راه موفقیتشان از رهگذر ایفای نقش در ساختار مرکزی عراق و بغداد می گذرد. آنها حتی در زمان جنگ نیز حاضر بودند بغداد را خود فتح کنند. کالار و کيفري دو شهري که کنترلس بر عهده حزب اتحادیه میهنی کردستان است تنها دو ساعت با بغداد فاصله دارد. کوسرات رسول نخست وزیر سابق حزب اتحادیه میهنی پیش از فتح بغداد توسط آمریکا می گفت: «ما می خواهیم در بغداد شریک شویم. اگر پوشش هوایی و پشتیبانی داشته باشیم حتی می توانیم کنترل بغداد را به دست گیریم.» گرچه این امر تحقق نیافت اما به هر حال اکنون کردها را می توان در جای جای عراق دید. بیشتر پلیسها و مأموران حفظ امنیت در جاده ها کرد هستند. مشاور نظامی بارزانی هم پیش از جنگ در یکی از سخنرانی هایش تأکید کرد: «اگر کردها فدرالیسم بخواهند باید در حکومت مرکزی بغداد با قدرت حضور داشته باشند. اگر نتوانند دیگران بر آنان پیشی خواهند گرفت». چنین امری خمیرمایه بند چهارده طرح فدرالیسم کردهاست که تصریح می کند اگر در انتخابات رئیس جمهور از یکی از دو بخش انتخاب شود نخست وزیر باید از دیگر قسمت باشد. آرزوی قدرت در مرکز عراق، خواسته اصلی مقامات ارشد کرد است که آن را در بند هفتم طرحشان جای داده اند: اعضای کابینه دولت باید براساس اولویت قدرت نفوذ و رده بندی گروه ها انتخاب شود. معنی بند هفت این است که کردها در نهایت باید در یکی از چهار وزارت خانه دفاع، وزارت کشور، دارایی یا خارجه جای گیرند. آنچه که تا حدودی در شورای انتقالی عراق انجام شد. وزارت خارجه به عنوان یکی از مهم ترین وزارت خانه ها به هوشیاری زیباری تعلق یافت که کرد بود و تحصیل کرده آمریکا.

البته تمام خواسته های کردها در پیش نویس قانون اساسی اداره موقت عراق به حقیقت نپیوست. در بند ۷۵ طرح نوشته شده است که در مسائل مورد اختلاف بین قدرت مرکزی و حکومت، کردها خودمختاری خود را حفظ کرده و تصمیم خود را عملی می کنند. این موضوع زمانی که در پیش نویس قانون موقت مطرح شد با مخالفت سایر گروه های عراقی مواجه گردید و در نهایت کردها عقب نشینی کردند. اکنون هم به نظر می رسد بر خلاف انتظار کردها که به حمایت آمریکا دلگرم بودند اوضاع چندان هم مطابق آرزوی ایشان نیست. در طرح اخضر ابراهیمی نماینده دبیر کل سازمان ملل در عراق، کردها در نقش معاون رئیس جمهور تعریف شده اند که این اعتراض شدید بارزانی و طالبانی را برانگیخت. طالبانی پس از اعلام این طرح با رابرت بلک ویل معاون ویژه رئیس جمهور آمریکا در عراق دیدار کرد و به او گفت که باید کردها یا در منصب رئیس جمهور جدید عراق جای گیرند یا نخست وزیری. او تهدید کرد که در غیر این صورت کردها در حکومت جدید عراق مشارکت نخواهند کرد. طالبانی گفت: «کردها به واشنگتن صادق بوده اند بنابراین باید از جایگاه برتری در حکومت عراق برخوردار شوند.»

کرکوک قلب کردها  
پدر بارزانی که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کردها را رهبری می کرد می گفت: «کرکوک قلب کردستان است» صدام در راستای عربی کردن شهرهای عراق کردها را از این شهر به شمال کوچاند و اعراب را جانشینشان کرد. اما باز هم کردها براساس جمله معروف بارزانی پدر کرکوک را شهر خود می خوانند:

«کروک شهر کردهاست حتی اگر يك کرد هم آنجا نباشد». زمانی که دو متالورا خبرنگار بي. بي. سي خبر ورود نیروهاي وابسته به حزب دمکرات کردستان به کروک را مخابره کرد و پیشمرگان سرخوش از سقوط صدام به این شهر وارد شدند گویا رویای چندین ساله کردها به حقیقت پیوسته بود. مردان حزب دمکرات مجسمه صدام را پایین کشیده و بر گردنش گلهاي زرد سمبل نیروهاي بارزانی را آویختند. همان روز خبرنگاران رویتر نیز از ورود مبارزان حزب اتحادیه میهنی کردستان به موصل خبر داد. کروک اما به خاطر منابع غنی نفتی نقشی کلیدی را برای کردها داشت و دارد گرچه ترکیه نیز بر آن مدعی است و آنکارا هم چه پیش از جنگ و چه پس از آن همواره این شهر را خط قرمز می خوانده و از واشنگتن می خواست که کنترل این شهر را هرگز به کردها ندهد. این در حالی است که برخی از مقامات کرد هم نه بغداد که کروک را نقطه عطف خواسته های کردها می دانند. آنها معتقدند که اگراد باید فعالیت خود را در مناطق کردنشین متمرکز کنند و درصدمه های شهرها کروک جای داشت. یکی از رؤسای کرد می گفت: «اگر ما کروک را بگیریم، آمریکاییها به سخنان ما گوش می کنند اگر نه فراموش خواهیم شد.»

در بند پنجم طرح کردها نیز کروک پایتخت کردستان خوانده شده است پس از سقوط بغداد بسیاری از کردها که تا زمان حاکمیت بعثی ها جرأت ورود به موصل و کروک را نداشتند از مناطق کردنشین اطراف به ویژه کمپ های آوارگان به سوی این شهرها روانه شدند و گویا بسیاری از اعراب را از این منطقه بیرون راندند. برهم در این باره می گوید: «طی ۲۰ سال گذشته يك میلیون نفر کرد را از کروک اخراج کردند و ۸ ماه گذشته طبق آمار سازمان ملل ۲۹ تا ۳۰ هزار نفر کرد به کروک بازگشته اند. بسیاری از این افراد یادگاریهایی در آنجا دارند. البته توسل به زور سیاست ما نیست اما به برادرهای عرب هم گفته ایم اگر باید عراقی باشیم، شما هم عراقی باشید و ما را از شهرمان بیرون نکنید اگر کرد و عرب فرقی ندارد چرا ما باید بیرون برویم و رانده شویم». به گزارش برخی منابع خبری کردها پس از ورود به موصل و کروک به مراکز ثبت احوال و اسناد این شهرها هجوم بردند و گویا بسیاری اسناد مالکیت را نیز سوزاندند. دولت ترکیه این موضوع را به منزله تلاش برای از بین بردن اسناد مربوط به ترکمنها و مالکیت آنها در این شهر تعبیر کرد. گروهی از ترکمنهای کروک به خیابانها ریخته و اعتراض کردند اما در هر حال باز هم نفوذ کردها در این شهر بیشتر شد و اکنون به نظر می رسد ترکیب جمعیتی آرام آرام به نفع ایشان رقم می خورد. گرچه هنوز سرنوشت این شهر روشن نیست اما کردها بازسازی را در آنجا هم آغاز کرده اند. شبکه تلویزیونی جدید را نیز در این شهر تأسیس کرده اند به نام تلویزیون کروک! اکنون هم امیدوارند که سرنوشت این شهر را از طریق همه پرسشی آشکار کنند. طالبانی در مصاحبه اخیرش با نیوزویک می گوید: «ما برای کروک هم دیدگاهی داریم و بر سر آن توافق کرده ایم لازم است اوضاع این شهر به قبل از اعمال سیاست تعریب بازگردد و پس از آن که آوارگان کرد کروک به شهرستان باز گشتند و اعراب آورده شده از آن خارج شدند همه پرسشی برگزار می شود و مردم خود برای این شهر تصمیم می گیرند.» گرچه منابع نفتی و اهمیت استراتژیک آن برای آمریکایی ها هم بیش از آن است که به سادگی با این مساله کنار بیایند. در اولین روزهای فتح کروک ریچارد بوچر سخنگوی وزارت خارجه صراحتاً اعلام کرد که به هیچ گروهی اجازه تسلط بر منابع و شهرهای نفتی عراق را نخواهد داد. حتی پس از آن که روزگاری علی همغم یکی از افراد دمکرات کردستان والی کروک شد آمریکایی ها او را بر کنار کرده و جان مور ژنرال بازنشسته ای را که در جنگ خلیج فارس اول شرکت کرده بود به جای او گمارد. نفت می تواند کردها را برای تحقق بخشیدن به رویای استقلال یاری کند. به همین دلیل بود که کردها در بحبوحه جنگ به شدت برای بهره بردن از منابع نفتی کروک و موصل پای می فشارند. برهم صالح در همایش گروه انستیتو واشنگتن می گفت: «در مورد نفتی که از منطقه ما خارج می شود حق اظهارنظر نیز با ما باید باشد. در مورد کروک وضع حساس تر است و اگر اداره این شهر به دست حکومت مرکزی سپرده شود دموکراتیک نیست». این در حالی است که طبق طرحهای تصویبی کاخ سفید برای عراق در اداره و کنترل درآمدهای نفتی باید در اختیار شورای حکومتی باشد و کردها هم از آنجا که قصد ندارند چندان خلاف میل آمریکا رفتار کنند این امر را پذیرفته اند. بارزانی در گفت و گو با تلویزیون لبنان می گوید: «حتی اگر اداره کروک به کردها واگذار شود درآمد نفت متعلق به حکومت مرکزی است.»

همسایگان و کردها

اگر داستان کردها تنها در کتابچه عراق آغاز و پایان می یافت شاید آنقدرها حساس نمی نمود اما هرگاه روایت تشکیل دولت کرد در شمال عراق حتی به صورت تکه ای از ساختار فدرالی در این کشور بازگو شده، همسایگان و بیش از همه ترکیه به نوعی واکنش نشان داده اند چه از نگاه این کشورها چنین امری به شدت موقعیت ژئوپلیتیک آنان را به خطر می افکند. ترکیه سالهای سال با گروه های معارض کرد درون خود دست و پنجه نرم کرده که برجسته ترینش جنبش حزب کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک) است به رهبری عبدالله اوجلان و اگرچه در سال های اخیر پس از دستگیری اوجلان و متلاشی شدن پ.ک.ک از يك سو و سیاست اصلاح امور در راه اتحادیه اروپا و اعطای آرام آرام برخی آزادی ها به هموطنان کرد ترکیه از سوی دیگر، آنکارا تا حدی از چنگال این معضل رهیده است اما هنوز هم نگرانی هایی برای دولت ترک از این رو وجود دارد. شمال عراق اکنون مأمونی شده برای اعضای حزب کادک جانشین پ.ک.ک. هرچند پس از پایان جنگ عراق این گروه ظاهراً سلاح بر زمین نهاده و اعلام کرد که از این پس اگر مبارزه ای هم صورت گیرد غیرمسلحانه خواهد بود اما در روزهای اخیر باز سر برآورده و اعلام نبرد کرده است. آنکارا بارها چه در هنگام جنگ و چه پس از آن در مورد حضور این

گروه ها و حمایت سران شمال عراق از آنها هشدار داده و خواهان بازگرداندن سران این گروه به ترکیه شده است. برهم البته حمایت از گروه های معارض ضدکشورهای همسایه را انکار کرده و می گوید: «ما از هیچ گروهی که کشور همسایه را تهدید کرده و مخالف آن باشد حمایت نمی کنیم و اساساً می خواهیم به همسایگان اطمینان دهیم که کرد عراق هیچگاه نمی خواهد به تمامیت ارضی کشورهای همسایه آسیب رساند». اما بسیار از خبرها و حتی گفته های برخی مقامات ایرانی در شمال عراق حاکی از آن است که نه تنها کردهای مخالف ترکیه، حتی برخی اعضای منافقین هم در کوهستانهای این منطقه حضور دارند. نفوذ اسرائیل هم در شمال عراق دیگر مسأله ای است که سه کشور همسایه و کشورهای عرب خاورمیانه را نگران کرده است. حبس و آوارگی و ضدیت با اعراب میان کردها و یهودی ها احساسی است مشترک. همین سرآغازی بود برای رابطه اسرائیل و گروه های کرد عراق در دهه شصت میلادی. پس از جنگ نیز خبرهایی در مورد تلاش تل آویو در جهت خودمختاری کردها عراق منتشر شد. در برخی از آنها آمده بود که اسرائیلی ها سعی دارند میان نژاد خود و کردها شباهت هایی یافته و حتی این قوم را نیز از بنی اسرائیل بخوانند. این موضوع با اعتراض ترکیه و برخی کشورهای عرب مواجه شد. مقامات کرد در این باره به خبرنگاران ایرانی می گفتند گرچه ما تا این حد با اسرائیل ارتباط نداریم اما از عرب ها عرب تر نیستیم، وقتی آنها با تل آویو رابطه دارند نیز در جهت منافع خود با اسرائیل رابطه خواهند داشت. آمریکا نیز در این میان از نگرانی های آنکارا، تهران و دمشق در مورد کردها بهره جسته و گاه این قوم را بسان اهرمی برای چانه زنی و گاه چماقی برای اعمال فشار در مقابل این کشورها استفاده کرده است. واشنگتن پیش از جنگ و طی آن نیز گاهی دم از اعطای امتیاز دولت مستقل در ساختار عراق جدید به کردها می داد و گاه در نشست با سران ترک در کاخ سفید که هم نگرانی خود و هم دیگر کشورهای همسایه را به گوش واشنگتن می رساندند قول می داد که هرگز کردهای عراق موجودیت مستقل در آن کشور نیابند. البته کردهای عراق مدام سعی کرده اند که ثابت کنند هرگز خطری برای کشورهای همسایه نیستند اما چندان در این راه موفق نبوده اند همراهی بیش از حد ایشان با آمریکا نیز برای بی اعتمادی همسایگان بر آنان دامن زده است. در درون عراق نیز سنی ها بیش از شیعیان مخالف زایش دولت کرد هستند چرا که خودمختاری کردها در عراق فدرالی می تواند زمینه را برای تشکیل دولت شیعه در درازمدت مهیا کند. با توجه به مسائل تاریخی به خصوص در دوران صدام مسئله فدرالیسم از خطوط قرمز عراقی های غیر کرد اعم از سیاسیون و مردم عادی است. حتی کشورهای عرب خاورمیانه نسبت به آن بسیار حساس هستند و شیوخ و رهبران عربی برای جلوگیری از آن به هر وسیله ای متوسل شده اند تا آمریکا را وادار نمایند که از حمایت این طرح دست بر دارد. یکی از مهمترین انگیزه های کشورهای عربی برای تأثیر گذاری در ترکیب حکومت عراق همین امر است. البته شیعیان به علت داشتن روابط خوب با کردها در دهه های اخیر که خود ناشی از انگیزه مشترک آنها در مبارزه با صدام بوده است نسبت به کردها و خواست فدرالیسم آنها کمتر از سنی ها ابراز ناراحتی کردند. اما نگرانی های آیت الله سیستانی موجب شد در طرح اولیه فدرالیسم تغییراتی ایجاد شود.

\*\*\*

اکنون در هر حال عراق گام در مرحله ای نوین گذارده و ساختار دولت موقت آن مشخص شده است، کردها با آن همه آمد و رفت به کاخ سفید نتوانستند امتیاز دلخواه خود را بگیرند. نه بر تخت ریاست جمهوری نشستند و نه بر مسند نخست وزیری، صندلیشان در کنار آنها جای گرفت و شدند معاون و وزیر خارجه. اعتراض کردند اما پافشاری نه. چه به نظر دریافته اند که در شرایط کنونی فعلاً بهترین راه سکوت است و ماندن در چارچوب عراق یکپارچه. هرچند سعی می کنند به مرور زمان افکار عمومی بین المللی را متقاعد کنند که فدرالیسم مورد نظرشان ناقص یکپارچگی عراق نیست. در طول سال ها نیز در راه مستحکم کردن پایه های خود گام برخواهند داشت البته اگر بتوانند از بند کشمکش های درونی خود برهند و قدرتهای منطقه ای و جهان را در راستای آرزویشان با خود همراه کنند که این هم سخت است و به نظر بعید.

## آژانس بین المللی انرژی اتمی و رژیم ایران

### متن کامل آخرین قطعنامه شورای حکام در مورد فعالیتهای هسته ای ایران

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی سال گذشته در آخرین نشست خود، قطعنامه ای را روز شنبه مطابق با 13 مارس 2004 - 23 اسفند ماه - درباره پرونده هسته ای جمهوری اسلامی به تصویب رساند.

به گزارش خبرگزاری "مهر"، در آن هنگام، پس از ساعتها جلسه پشت پرده سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان، و همچنین چند کشور دیگر با هیات نمایندگی آمریکا در شورای حکام، و در حالی که بر خلاف عرف این شورا هیچ مشورتی با گروه غیر متعهدا (که حدود دو پنجم اعضا را تشکیل می دهند) صورت نگرفت؛ متن نهایی قطعنامه پیشنهادی در مورد فعالیتهای هسته ای ایران تحویل نمایندگان شورای حکام شد تا پس از يك فرصت 24 ساعته به رای گذاشته شود.

متن اصلي این سند که با توجه به پیشنهاد قبلي آمریکا به نظر مي رسيد سه کشور اروپايي آن را تدتر و غير منصفانه تر ساختند؛ در جلسه يادشده به روش اجماع(بدون رای گيري) که بند 9 آن صرفا با تغييری ازسوي گروه غيرمتعهد ها پذیرفته شده است، در پی می آید :

به : اعضاي شوراي حکام:

(a) یادآوری می کنیم قطع نامه تصویبی شوراي حکام در تاریخ 26 نوامبر 2003 (GOV/2003/81) و قطع نامه تصویب شده شورا در تاریخ 12 سپتامبر 2003 (GOV/2003/69) و بیانیه شورا در تاریخ 19 ژوئن 2003 (GOV/2003/ 1072)

(b) با تشکر از گزارش محمد البرادعی در تاریخ 24 فوریه 2004 (GOV/2004/11) درباره اجرای پادمان ها در ایران

(c) با تشکر از رییس آژانس و دبیرخانه وی برای تلاش های مداوم آنان برای اجرای توافق نامه پادمان با ایران و حل و فصل تمام مسایل مهم باقی مانده هسته ای در این کشور  
(d) با رضایت اعلام می کنیم که ایران پروتکل الحاقی را در تاریخ 18 دسامبر 2003 امضا و در ارتباطی که در تاریخ 10 نوامبر 2003 با رییس آژانس برقرار کرد ، ایران خود متعهد شد که از آن تاریخ طبق مقررات پروتکل عمل کند. اما همچنین اعلام می کنیم که این پروتکل تا به حال طبق قطع نامه 12 سپتامبر 2003 و 26 نوامبر 2003 شوراي حکام تصویب نشده است.

(e) خاطرنشان می کنیم تصمیم ایران در 24 فوریه 2004 برای توسعه حوزه فعالیت های مربوط به تعلیق و بازفرآوری و تایید این کشور مبنی بر این موضوع که تعلیق در همه تسهیلات(تجهیزات) ایران انجام خواهد شد.

(f) با نگرانی جدی خاطرنشان می کنیم که اظهارات ایران در اکتبر 2003، تصویر کامل و نهایی برنامه هسته ای گذشته و حال ایران نیست. آژانس در قطع نامه سپتامبر 2003 که تعدادی از قصورات ایران را متذکر شده (uncovered) از ایران خواسته بود که تصویری کامل و نهایی از برنامه هسته ای حال و گذشته خود نشان دهد. برای مثال، یک طرح پیشرفته تر سانتریفوژ از آن چیزی که قبلا اعلام شده بود شامل فعالیت های تحقیقات، تست و ساخت قطعات آزمایشی وابسته؛ دو طیف سنج وسیع که در برنامه غنی سازی لیزری کاربرد دارد و اینکه ایران ساخت سلول های گرم در راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک (که رسیدگی و تحقیق بیشتری برای آنها لازم است) را در نظر گرفته است که ممکن است به فعالیتهای هسته ای دیگری که تاکنون ایران گزارش نداده باشد، رهنمون کند.

(g) با همین اندازه نگرانی خاطرنشان می کنیم که ایران همه سوالات مربوط به گسترش فناوری غنی سازی اش را حل نکرده است. مواردی از جمله مکان، اندازه و ماهیت کار انجام شده بر اساس طرحهای پیشرفته سانتریفوژ بی پاسخ مانده؛ وسعت و هدف فعالیتهای مربوط به راکتور آب سنگین، و شواهدی دال بر اثبات ادعاها مربوط به هدفهای آزمایشهای پلونیوم 210، و منابع همه آلودگی های هسته ای در ایران نیز از همین سوالات می باشند.

(h) با نگرانی خاطر نشان می کنیم با توجه به گزارش 20 فوریه 2004 (GOV/2004/12) رییس آژانس، اگر چه برنامه های فراوری و سانتریفوژ ایران و لیبی در زمان های متفاوتی بوده، اما دارای عناصر اصلي مشترك می باشند. تکنولوژی که به طور وسیع از یک منبع خارجی تهیه شده، یکی از این عناصر مشترك است.

1- اذعان می کنیم رییس آژانس گزارش کرد که ایران به شکل فعال درباره دسترسی به مکان هایی که آژانس لازم دانسته، با این مرجع بین المللی همکاری کرده است. اما از آنجایی که همکاری ایران نسبت به آنچه لازم بوده، تاکنون کاهش یافته است، از ایران می خواهیم که همکاری خود را به ویژه با ارائه اطلاعات فعال و شفاف و جزئیات معتبر از همه جنبه های فعالیت های هسته ای گذشته و حال افزایش دهد.

2- از امضای پروتکل الحاقی از سوی ایران خرسند هستیم و خواستار تصویب سریع آن می باشیم و بر یافته شوراي حکام تاکید می کنیم که ایران در ارتباط 10 نوامبر 2003 با رییس آژانس به طور داوطلبانه متعهد شده است که از آن زمان طبق مقررات پروتکل عمل کند و بر اهمیت اطاعت کردن از ضرب العجلی که برای اظهارات در بند 3 پروتکل آمده، متعهد بوده است و بر اهمیت تعیین ضرب الاجل برای ایران که در بند 3 پروتکل آمده، تاکید می کنیم.

3- با یادآوری اینکه شوراي حکام در قطع نامه های 26 نوامبر 2003 و 12 سپتامبر 2003 از ایران خواست که تمام فعالیت های فراوری و غنی سازی را تعلیق نماید، خاطرنشان می کنیم که تصمیمات ایران در 29 دسامبر 2003 و 24 فوریه 2004 نشان دهنده گام های مثبتی در این رابطه ازسوي ایران است و از این کشور می خواهیم که اجرای این تعهد را به همه فعالیتهای این چنینی در ایران، توسعه دهد و از رییس آژانس تقاضا داریم که بر انجام کامل این اقدامات نظارت نماید.

4- محکوم می کنیم که ایران همانطورکه به تفصیل درگزارش البرادعی آمده، در نامه 21 اکتبر 2003 هیچ منبعی ارائه نکرده است. در حالی که باید "نمایه ای کامل از فعالیت های هسته ای ایران" و "گاه شماری کامل تحقیق و ساخت سانتریفوژ"، و همچنین دارا بودن طرح های سانتریفوژ P2 و تحقیقات وابسته، ساخت و فعالیتهای آزمایشی - مکانیکی که مدیرکل به عنوان نگرانی جدی از آن یاد می کند، خصوصا با توجه به اهمیت و حساسیت این فعالیتهای ارائه دهد.

- 5- تکرار می کنیم نگرانی های البرادعی را درباره هدف ایران از آزمایشات مربوط به تولید و وابسته به پلونیوم 210. در حالی که ایران اطلاعاتی برای پشتیبانی این موضوع در بیانیه خود ارائه نداده است.
- 6- از ایران می خواهیم که برای همکاری کامل و فعال با آژانس گامهای ضروری بردارد و برای حل همه موضوعات باقی مانده مثل آلودگی های اورانیوم غنی شده (ضعیف و قوی) در شرکت کالا الکترونیک و نظیر و موضوع ماهیت و اندازه تحقیقات غنی سازی ایزوتوپ لیزر در ایران و موضوع آزمایشاتی که به تولید پلونیوم 210 منجر می شود.
- 7- با قدردانی خاطرنشان می کنیم که آژانس منابع و ریشه تهیه این فناوری و تجهیزات مربوطه و مواد هسته ای و غیرهسته ای که در ایران یافت شد را بررسی می کند و تکرار می کنیم که همکاری فوری، کامل و نزدیک سه کشور با آژانس برای شفاف سازی سوالات باقی مانده درباره برنامه هسته ای ایران، ضروری است. این سوالات شامل پذیرش فناوری هسته ای از منابع خارجی است و همچنین هرگونه همکاری در این راستا را با آژانس تحسین می کنیم.
- 8- درخواست می کنیم از رییس آژانس که درباره این موضوعات و اجرای آنها پیش از پایان ماه می یا زودتر قبل از آنکه قطع نامه ای برای ایران صادر شود، گزارشی ارائه دهد تا در شورای حکام ماه ژوئن مورد ملاحظه قرار گیرد.
- 9- تصمیم داریم بررسی پیشرفتهای ایران را در تایید اظهارات ایران و چگونگی پاسخگویی به قصورات ذکر شده در بالا را تا جلسه ماه ژوئن و پس از دریافت گزارش رییس آژانس که در بند قبل به آن اشاره شد، به تعویق بیندازیم.
- 10- ما کاملاً نسبت به این موضوع مصمم هستیم.

## کوناگون

قطعه ۳۳ زنده می ماند

روزنامه ایران - احمد جلالی فراهانی: چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۳ - ۹ ژوئن ۲۰۰۴

به نقل از اخبار روز گوشه شرقی بهشت زهرا و پشت غسلخانه، در سکوتی رازآلود، قطعه ۳۳ خفته است. کاج های مسن و به آسمان رسیده تمام خیابان های اطراف را سایه باران کرده اند و با اینکه ساعت تازه ۳ بعدازظهر است اما آفتاب در پس شاخه ها مانده و هرازگاهی نوری از لای آنها به سطح زمین می رساند. با این همه قطعه ۳۳ به فاصله طی کردن عرض خیابانی از چنان غربتی رنج می برد که قابل بیان نیست. برخلاف تمام قطعات اطراف که مملو از گل و گلاب و گلدان است، قطعه ۳۳، در حصار سیمانی محصور مانده و تنها با بالا رفتن از چند پله فرسوده و آجری به برهوتی می رسی از قبرهایی که بسیاری از آنها حتی سنگ قبر هم ندارند چه رسد به تابلو و گلدان و درخت. اینجا آفتاب بی رحمانه می تابد. بر پیکره ای از قبرهای یکدست و یک شکل که در غارت علف های هرز، ساکت و بی صدا تاریخ را به نظاره نشسته اند. قطعه ۳۳ بهشت زهرا، سرزمین دیگری است. سرزمین سکوت قبرهایی که اغلب آنها به جای سنگ قبر، حفره ای را می مانند که مملو از خشکه علف های بجای مانده از سال های پیش از این است. پایت به اولین سنگ قبر که می رسد، حسی مرموز، موریانه وار دوره ات می کند. انگار که در محاصره نگاه کنجکاو مردمانی خاموش و نامرئی گرفتار آمده باشی. باد هم دست بردار نیست. بی وقفه و ممتد می وزد. یاد شعری از «ژان ژورس» می افتم:

گرچه گورها حاشیه جاده را فراگرفته اند، اما جاده به عدالت راه می برد.

چرا قطعه ۳۳ برای رسانه ها مهم است؟ شاید پاسخ به این سؤال تمام انگیزه این گزارش باشد. مطابق معمول این اواخر نام قطعه ۳۳ پس از سال ها فراموشی وقتی دوباره بر سر زبان ها افتاد که یکی از سایت های اینترنتی خبری را مطرح کرد مبنی بر این که «قرار است این قطعه را تخریب کنند و آن را تبدیل به قبرستانی تازه نمایند.» درستی این نظر وقتی قوت بیشتری گرفت که بنابه قانونی نانوشته و شایع میان مردم، با گذشت بیش از ۳۰ سال از عمر یک قبر بهشت زهرا می تواند قبر دیگری را جایگزین آن کند. به عبارت بهتر عمر هر قبر ۳۰ سال است.

با انتشار تصاویری از قطعه ۳۳ و پارچه نوشته هایی که بر بخشی از این قطعه آویزان شده بودند ماجرا وارد فاز تازه ای شد. در این تصاویر و آن پارچه نوشته ها، از قول مسؤولان بهشت زهرا تصمیمی اعلام شده بود مبنی بر اینکه قرار است بزودی عملیات تخریب و بازسازی قطعه ۳۳ بهشت زهرا آغاز شود. همان زمان یکی از سایت های معروف و پربیننده اینترنتی یادداشتی در این باره نوشت که مرور دوباره آن علاوه بر نشان دادن اهمیت قطعه ۳۳، دیدگاه نویسنده را هم درباره این قطعه بیان می کرد.

«... قرار است در قطعه ۳۳ بهشت زهرا که در آن قبور مبارزان قبل از پیروزی انقلاب مثل گلسرخی و جزئی و ... قرار دارد، تخریب شود... اگر این خبر درست باشد، یک فاجعه است. اینها جزئی از تاریخ کشورمان هستند. رئیس بهشت زهرا می گفت: این تنها قطعه ای است که بازسازی نشده است. در این مجموعه حدود ۱۲۰ قبر شناخته شده هست که در بین آنها چهره های سرشناس هم هستند. ما



قصه داریم قبر این افراد شناخته شده را بالا بیاوریم و بقیه را هم بازسازی کنیم. به خانواده هایشان هم خبر داده ایم...»

#### • زیر شلاق خورشید

و من حالا آنجا هستم. قطعه ۳۳ بهشت زهرا، ظاهراً این بخش از بهشت زهرا یکی از قدیمی ترین بخش های آن است. یکی از کارگران می گوید: «اینجا قبلاً جزو خود بهشت زهرا نبوده، حاشیه آن محسوب می شده.» شاید راست بگوید. چون از در ورودی تا اینجا فاصله زمانی زیادی نیست. ضمن آنکه موقعیت غسلخانه هم می تواند به نوعی حرف های او را تأیید کند. شاید در طراحی بهشت زهرا موقعیت غسلخانه طوری در نظر گرفته شده که دور از قطعات و قبور باشد و حالا به خاطر ازدیاد بیش از اندازه متوفیان تهرانی این بخش ها را هم مورد استفاده قرار داده اند.

رضائیان مدیر بهشت زهرا درست گفته است. از میان شش هزار و ۵۱۷ نفری که در این قطعه دفن شده اند بیش از ۱۲۰ نفر از مبارزین پیش از انقلاب که جان خود را در راه مبارزه علیه رژیم پهلوی از دست داده اند دیده می شود که چهره های سرشناس و ماندگاری در میان آنها وجود دارد. افرادی چون «مسعود احمدزاده»، «حمید اشرف»، علی باکری، علی اصغر بدیع زادگان، بیژن جزینی، مصطفی جوان خوشدل، محمد چوپانزاده، پرویز حکمت جو، محمد حنیف نژاد، کرامت الله دانشیان، بهروز دهقانی، محمد کاظم ذوالنوار، مهدی رضایی، عزیز سرمدی، ناصر صادق، علی اکبر صفایی فراهانی، حسین ضیاءظریفی، همایون کتیرایی، خسرو گلسرخی، سعید محسن، علی میهن دوست و ... هرکدام از این نام ها برای خود تاریخی هستند. آدم هایی که جزو مبارزین ردیف اول علیه رژیم پهلوی بودند و سخت ترین شکنجه ها و نامردمی ها را تا پای جان تحمل کردند و حالا اینجا در بستری از خاک و فراموشی خفته اند و شاید اگر خبری این چنینی درباره مزار آنها در مطبوعات درج نمی شد هرگز برای دوباره نامشان شنیده نمی شد.

و حالا بسیاری از آنها در بستری از ابدیت خفته اند و واکنش ما را در برابر رنج ها و مصائبی که کشیده اند به نظاره نشسته اند. آیا ما قدردان مقاومت و استقامتشان بوده ایم؟ برای پاسخ، نیازی به تأمل و تدبیر نیست. واقعیت این قطعه و مهاجرت آن جوابی است که من از پدران خویش شنیده ام. منی که تا به دیروز حتی نام آنها را نشنیده بودم و آمدنم به اینجا توفیقی بود اجباری که نصیبم شد. آیا همنسلان من آنها را می شناسند؟

در میان قبور یکدست و متلاشی، یافتن نام و نشان صاحب قبر کاریست صعب و دشوار، تمام قبرها خلاصه و مختصرند. نام و فامیل و سال تولد و مرگ. بعضی از آنها آنقدر غریب و پرت افتاده اند که دل بیننده را به درد می آورند و بسیاریشان البته حتی همین سنگ قبر مختصر را هم ندارد. تک و توك هم هستند قبوری که روزگاری تابلویی داشته اند و در اثر گذشت زمان و باد و باران زنگ و فرسوده شده اند و چیزی جز تابلویی سیاه و پوسیده از آنها باقی نمانده است. قبرهایی هم هستند که سنگ قبر ندارند و با این حال از حال و روزشان معلوم است که بستگانشان هنوز به سراغشان می آیند و آنها را مراقبت می کنند. حتی یکی از آنها که از نعمت سنگ قبر محروم بود را با سنگ ریزه و گل و خاک تزئین کرده اند.

قطعه ۳۳، قطعه ایست مستطیلی شکل که غرب آن را قبرهای بی نام و نشان بیشتری به خود اختصاص داده است و شرق آن به مبارزین سیاسی اختصاص دارد. این را می توان از قبور برجسته ای فهمید که درختی و کاجکی بالای سرشان سایه داده است و معلوم است که اینها را تازه کاشته اند و بهترین نشانه برای اثبات این مدعا قبر خسرو گلسرخی است. با سنگ قبری طلایی و برجسته که گویی همین دیروز نصب شده است.

سنگ قبر او با عبارت «شهید شادروان خسرو گلسرخی» آغاز می شود و با جمله «خون ما پرچم خاک ماست» به پایان می رسد و من تا پیش از این نمی دانستم او که بوده و چه کرده. تنها چیزی که از او می دانستم قطعه شعر زیبایی است که پیش از این شنیده بودم و حالا انگار باد آن را در گوشم زمزمه می کند:

ثقل زمین کجاست؟ / من در کجای جهان ایستاده ام / با باری زفریادهای خفته و خونین / ای سرزمین من! / من در کجای جهان ایستاده ام؟

و این چند جمله تمام چیزی بوده است که من تا پیش از این از او می دانستم و نمی دانستم که در دوم بهمن ۱۳۲۲ در رشت زاده شده و در کودکی پدرش را از دست داده و در محضر علامه شیخ محمد وحید خورگامی که از شاگردان «آخوند خراسانی» و «آقا ضیاءالدین عراقی» بوده است، شاگردی کرده است و معرف «لوسین گلدمن» ادیب بزرگ فرانسوی بوده است و در دادگاهی کذابی در سال ۱۳۵۲، سرنوشت اعدام برایش رقم می خورد و در ۲۹ بهمن همان سال و در آستانه ۳۰ سالگی توسط رژیم شاهنشاهی پهلوی به گلوله بسته می شود و تنها وجه اشتراک من با او خبرنگار بودن است.

#### • دیگران هم هستند

علاوه بر خسرو گلسرخی مبارزین دیگری هم در این قطعه به خاک سپرده شده اند که نقش مهمی در شکل گیری مبارزات مردمی پیش از انقلاب برای سرنگونی رژیم شاه داشته اند. فراموشی آنها بی انصافی است. کسانی چون «محمد حنیف نژاد» که اهل تبریز بود و متولد سال ۱۳۱۷ که دارای انگیزه های مذهبی قوی بود و پس از ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته مهندسی کشاورزی از عناصر ثابت

و فعال تمامی جلسات سیاسی، مذهبی مسجد هدایت (محل سخنرانی آیت الله طالقانی و طرفدارانش) بود و در سال ۱۳۴۰ به مدت ۹ ماه دستگیر و روانه زندان شد و از همانجا تصمیم به مبارزه مسلحانه با رژیم پهلوی گرفت و عاقبت جان خود را بر سر این تصمیم از دست داد و توسط رژیم اعدام شد. نام حنیف نژاد همواره در کنار سعید محسن در تاریخ معاصر ما خواهد آمد. چنان که نام علی اصغر بدیع زادگان.

در میان به خاک سپرده شدگان این قطعه نام های دیگری هم دیده می شود که هر يك برای خود حکایتی هستند از تاریخ معاصر و مبارزه با حکومت پهلوی. شاید میان آنها نام کرامت الله دانشیان به خاطر آن سروده معروفش که هنوز هم همه ساله هنگام بزرگداشت روزهای بهمن ۵۷ از رسانه ها پخش می شود، آشناتر باشد. «بهاران خجسته باد» معروفترین میراثی است که از او بجای مانده است و او هم در همان دادگاه گلسرخی به حکم اعدام محکوم شد و حالا در این قطعه در بستری از فراموشی به خواب رفته است. خوابی ابدی که هیچ کدامان را از آن گریزی نیست. نام های دیگری هم در این قطعه هست. کسانی چون صفایی فراهانی که نامش ماجرای سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی را در ذهن تداعی می کند. نام های بسیاری که نوشتن از آنها در این مجال نمی گنجد.

#### • واکنش بهشت زهرا

از همان آغاز ماجرا مسؤولان بهشت زهرا شایعه تخریب این قبور را تکذیب کردند و مدیرعامل این سازمان اعلام کرد که «سازمان بهشت زهرا (س) براساس شرح وظایف از پیش تعیین شده و طرح های زمان بندی شده، اقدام به بازسازی و بهسازی و ساماندهی قطعات می کند و این طرح تاکنون در چندین قطعه صورت گرفته و بسیار موفقیت آمیز بوده است و با استقبال مواجه شده است.» محمود رضائیان در ادامه می گوید: «در صورت اجرای طرح بازسازی و نوسازی قطعه ۳۳ از حیث فضای سبز، دسترسی ها و طراحی قطعه و میلان آن بسیار وضع مطلوبی پیدا خواهد کرد.» او معتقد است که بسیاری از خانواده های افرادی که در این قطعه به خاک سپرده شده اند، از طرح موردنظر این سازمان استقبال کرده اند و می گوید: «حتی نظرات شهروندان از شب عید امسال از طریق اطلاعیه ای درخصوص دو طبقه کردن قبور و ساماندهی قطعه ۳۳ اخذ شده است.»

#### • نکوداشت تاریخ

وقت رفتن است و باد همچنان می وزد. تند و تیزتر از پیش. آفتاب حالا به گوشه غربی زمین چسبیده و غروب آویزان شاخه ها شده است. پیش خودم می گویم: «چه جای سرسبز و با طراوتی است این بهشت زهرا (س).» هنوز از پله های قطعه پایین نیامده ام که چند جوان را می بینم خندان و شاد، درست مثل خود زندگی. در راه بازگشت، قطعات تازه ساز و تازه خاکبرداری شده توجهم را به خود جلب می کند. هنوز مانده تا آنها از متوفیان پر شود. به این فکر می کنم که کسی مخالف ارج بخشیدن به تاریخ مبارزه با ظالمین نیست.

ممکن است بعدها راه و مسیر موردنظر به خاک سپرده شدگان قطعه ۳۳ تحریف شده باشد اما مسلماً میان آن ۱۲۰ نفر مردان و زنانی هستند که هدفی جز مبارزه با استبداد نداشتند و در راه این آرمان از نثار جان هم مضایقه نکردند و حفظ و بزرگداشت آنها ولو به بهانه ماجرای که در مطبوعات و رسانه شایع شد و بعد هم تکذیب گردید، ارج نهادن به تاریخ مردمی است که هرگز زیر بار ستم و استبداد نمانده اند و درس های فراوانی از این بابت به تاریخ داده اند.